

افغان مینى مارکیت عرضه کننده انواع مواد خوراکیه وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم میکند ارسال پول به همه دنیا بزودترین فرصت با **Western Union** 6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150 Tel:703-644-0186 Celf:703-499-3313

شبکهٔ اصلی فساد دریخ گوش ریسی جمهور است

۱۲جون/کابل — تلویزیون بک: مشاور حقوقی پیشین ریاست جمهور در برنامهٔ آماج گفت رئیس جمهور غنی توان مبارزه با فساد پیشگان را ندارد. عبدالعلی محمدی گفت: «عاملان اصلی بحران کابل بانک امتیازهای لازم و موقفهای سیاسی و حکومتی دارند و متأسفانه حکومت هم درخدمت‌شان است. رئیس جمهور غنی اراده دارد، اما مشکل جدی او در تصمیم و اقدام است و توان مقابله را ندارد.»اوبه این باور است که فسادپیشگان درحال حاضر دولت را در انحصار خود دارند.این مقام پیشین حکومتی گفت تصمیم به تعلیق درآمدن او غیرعادلانه‌است.او همچنان رئیس جمهوری را به تبعیض متهم کرد. حدود چهار ماه پیش، محمدی بنابر اعلامیه ارگ ریاست جمهوری، به دلیل سوی استفاده از تفاهمنامه شهرک هوشمند، از سمتش برکنارشد.

طالبان مرتکبان خشونت علیه زنان را مجازات کنید ۱۹ جون/کابل —بی بی سی: دلبر نظری، وزیرامور زنان اطلبان خواست مرتکبان خشونت علیه زنان رادستگیر ومطابق احکام شرعی مجازات کنندو تأکید کردآنان بایداز محاکمه واجرای سنگسارزنان بحکم رسم ورواجهای محلی دست بردارد.خانم نظری هفته اول ماه سرطان را هفته دادخواهی برای زنان خشونت‌دیده اعلام کرد.

آمار ثبت شده خشونت علیه زنان، به گفته وزیر امور زنان در ۳ماه اول سال جاری بیش از ۶۰۰ مورد بوده که شامل سنگسار، تیرباران، تجاوز، اختطاف، لت و کوب،بازدواج پیش ازوقت واجباری ومحروم کردن ازحق آموزش وکارمی باشد. این خشونتها درولایات هرات، تخار، دایکندی، غوروبغلان صورت گرفته است.اواوزارت حج واوقاف خواست درهای مراکزتزریق افراطیت را ببندد.افغانستان یکی ازکشورهایبست که هرروزه زنان درآن موردخشونت قرار می گیرند. ملل متحد گفته که در افغانستان حدود ۹۰درصد زنان قربانی خشونت هستند.

بانک توسعه آسیایی بودجه طرح انتقال برق به بامیان را تأمین می‌کند

۱۹ جون/کابل —بی بی سی:تفاهمنامهٔ امروزمیان رئیس شرکت ملی برق و رئیس بانک توسعه آسیایی در کابل امضا شد که براساس آن این بانک هزینه انتقال برق از ولسوالی دوشی ولایت بغلان الی بامیان را پرداخت کند.هزینه این طرح هنوز مشخص نشده‌است. علی احمدغمانی، وزیرانرژی و آب گفت برق ولایت بامیان ازبرق وارداتی کشورهای همسایه تمویل میشود. او در باره مشخصات طرح گفت این خط ظرفیت انتقال ۲۰۰مگاوات برق راداردو قرارست یک ایستگاه ۳۲مگاوات امپر ویک شبکه توزیع ۲۰کیلو ولت که قادربه تهیه برق برای ۲۰هزارخانوار است نیز دربامیان ساخته شود.

قدرت الله دلآوری، رئیس برشناگت هیات فنی این ریاست به دوشی وبامیان سفر کرده و سه محل دربامیان برای ایجادایستگاه برق مشخص، ولی هنوزنهایی نشده‌است. مطالعات ابتدایی منطقه ملایان مرکز بامیان راناسب دانسته واین طرح بعداز تأییدآن توسط شرکت فیشر آلمانی وتبیت حقیقی ملکیت محل تا ۱۵اگست ۲۰۱۶آغازمیشود. شرکت فیشرانسداد این طرح رابرای داوطلبی جهت تطبیق آن تااواسط اگست الی اکتوبر ۲۰۱۶ ترتیب میدهندو انتخاب شرکت برنده تااواسط اکتوبر مشخص میشود.کار این طرح در ربع اول ۲۰۱۷ شروع و الی ربع دوم ۲۰۱۸تکمیل خواهدشد.

مین‌گذاری اطراف آتشکده باستانی زرتشتی در سرخ کوتل توسط طالبان

۱۸جون/بغلان — بی بی سی: مقام‌های ولایت بغلان تأیید کردند که طالبان منطقه باستانی سرخ کوتل و راه‌های منتهی به این منطقه را مین‌گذاری کرده اند. این منطقه سه هفته قبل توسط طالبان تصرف شد و دبروز نیروهای امنیتی مدعی شدندکه موفق به پاکسازی مجدد آن از وجود این گروه شده‌اند.سیدعبدالله سادات، سرپرست ریاست اطلاعات وفرهنگ بغلان گفت هرچندبرنامه پاکسازی مین درمنطقه آغاز شده امامین آن می‌رود که این منطقه باستانی درجریان این عملیات آسیب ببیند.طالبان ادعای از دست دادن سرخ کوتل را رده کرده وگفته اندهنوز منطقه سرخ کوتل را در کنترل داشته به منظورجلوگیری از ورود نیرو های دولتی مسیرهای منتهی به این منطقه را مین گذاری کرده اند.

اهمیت سرخ کوتل: سرخ کوتل درافغانستان به آتشکده زردشت موسوم است. گفته میشوددرسال ۱۹۵۷باستان‌شناسان فرانسوی توانستند کتیبهٔ رادرین منطقه پیداکنند که مشخص کننده تاریخ زبان قدیم مردم بلخ است.د کتر محمد یونس طغیان ساکای، استاد دانشگاه کابل درباره اهمیت سرخ کوتل میگوید.با دین ساحه مهمترین یادگار دوران کوشانی‌هاست. براثر حفاری که درزمان ظاهرشاه (۱۹۳۳تا ۱۹۳۷) صورت گرفت، یک معبد زرتشتی درآجا کشف و آثارچامانده ازین معبداز زیر خاک هایبرون آمد. سنگها وفیل پایه‌های که زیرستونهای سنگی در قدیم گذاشته می شد، هنوز در سرخ کوتل وجود دارد. به گفته آقای ساکایی سنگ نوشته بزرگ زمان کشکا نیز درسرخ کوتل ازدرون یک چاه بیرون آورده شد که اکنون در موزه ملی افغانستان نگهداری میشود.این کتیبه درباره سلسه کوشانیان نوشته شده‌ونشان میدهد که آنان در کجا سلطنت می کردند. ولایت بغلان پایتخت زمستانی سلسله کوشانیان به حساب می آمده‌است. باورقبل از آن این بود که کوشانیان مبلغ آیین بودایی بوده‌اند، ولی براساس حفاریات که در سرخ کوتل انجام شد، یک معبدزرتشتی نیز درآنجا کشف شد. این ثابت کرد که دین بودایی و آیین زرتشی هر دو درزمان کوشانیان معمول بوده‌است.درین منطقه آثاروعلامی از دورانی باستان بود که توسط نیروهای پلیس محافظت میشدند و اگر این نیروهادر محل مستقر نباشنداین آثاربه بغاخواهدنرفت. به گفته او کتیبه‌ایکه از سرخ کوتل ورباطک کشف شد، بزبان (آری) نوشته که درین سرزمین در قدیم معمول بودوگمان می‌روداین زبان در تکوین زبان فارسی نقش مهم داشته است.

سرخ کوتل در سه کیلومتری شهر پلخمری مرکز بغلان قرار دارد.

شمارهٔ ۱۰۲۰

بنام خدا

 ام‌سی‌ان	
<i>در امریکانه</i> \$1.50	
شمارهٔ سوم /سال بیست و پنجم ۳۱/جوزای ۱۳۹۵ / ۲۰ جون ۲۰۱۶ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۲۰	
یکی از معجزات قرآن عظیم و کریم کلمهٔ (سال) در قرآن یک بار ذکر شده است، کلمهٔ (ماه) در قرآن دوازده بار ذکر شده است، کلمهٔ (روز) در قرآن سه صد و شصت و پنج بار ذکر شده است .	
صدق الله على العظيم	

کشایش نگار خانهٔ هفت قلم در شهر هرات

۷جون/هرات — باختر: نگارخانه هفت قلم درشهرهرات گشایش یافت، این مرکز فرهنگی وهنری که از سوی آرا رثوفیان رئیس اطلاعات و فرهنگ ولایت هرات با حضورشماری ازفرهنگیان وهنرمندان دریکی ازبناهای تاریخی شهر هرات گشایش یافت باهمت نوید اعلم یک تن ازهنرمندان تاسیس شده است. آرا رثوفیان بااشاره به بهبودچشمگیر وضعیت فرهنگی درسطح ولایت هرات، ازتاسیس این نگارخانه و مرکزفرهنگی استقبال نمود.رئیس اطلاعات وفرهنگ هرگونه همکاری جدی این اداره رابخاطر تقویت هنروفرهنگ را نیزبرازداشت.

نگارخانه هفت قلم درحوض سلطان احمدکیریکی ازبناهای شهرهرات موقعیت دارد. درین مرکزفرهنگی برعلاوه نمایش آثارهنری هنرمندان هنر آموزان دربخشهای مختلف ازجمله نقاشی، میناتوروی و خوشنویسی تریه میشوند.

مقدار زیادپول امریکا در افغانستان ضایع شده

۱۱جون/واشنگتن —باختر:جان سبیکو سرمفتش خاص ایالات متحده امریکا در امور بازسازی افغانستان می گوید، فعالیت‌های تخریبی طالبان، میلیاردها دالر مساعدت‌های را به خطر مواجه می‌سازد که امریکا در یک دههٔ گذشته در افغانستان به مصرف رسانیده‌است.رئیس اداره تفتیش امریکا در امور بازسازی افغانستان درمصاحبهٔ اختصاصی باآژانس رویترز گفت امریکا پول‌های هنگفت را در افغانستان ضایع کرده که برای یک کشور کوچک خیلی زیاد است و این در حالیست که از مصرف پول‌های خارجی در افغانستان خیلی کم نظارت می‌شود. کانگرس ایالات متحدهٔ امریکا ازسال ۲۰۰۱م تا اکنون حدود ۱۱۳میلیارد دالر را به افغانستان اختصاص داده ، اما براساس گزارشهای چهارسال اخیر ادارهٔ تفتیش امریکادرامور بازسازی افغانستان (سیگار) بخش اعظم این پول‌ها ضایع شده‌است.

جان سبیکو میگوید اگر تعداد نیروهای امریکا درافغانستان براساس پلان موجود کاهش یابد، به نظر می‌رسد که با آن، بازسازی افغانستان بیشتر زیانمند خواهد شد و به گفتهٔ او این ضایعات به میلیاردها دالر خواهدرسید.بر اساس گزارش ادارهٔ سیگار که درماه اپریل امسال نشرشد، برنامه‌های بازسازی ، پروژه‌های کمک در امر مبارزه با مواد مخدر، اعمار خطوط تمدید انرژی برق، تشویق صنایع، بازسازی سیستم‌های بانکی و حقوقی، عصری ساختن زراعت و سایر پروژه‌ها را شامل بوده‌است.

به گفته جان سبیکو، ادارهٔ سیگار زمانی ایجاد شد که نصف پول‌های امریکا در افغانستان مصرف شده بود، اما دروسال گذشته ادارهٔ او کارهای راهم انجام داده است،جان سبیکو با یادآوری از این اقدامات گفته است، قراردادهای با ۱۰۷ شرکت و کسانی لغو شده‌است که کار های شان ناقص بوده و ۹۵۰میلیون دالر از جملہ پولهای ضایع شده واز درک جریمه‌ها دوباره اعاده شده‌است.ازجمله ۱۱۳میلارد دالر کمک امریکا ۶۰درصد آن برای آموزش نیروهای امنیتی ودفاعی مصرف شده‌است.جان سبیکوگفت اگروضع در افغانستان همبینطور روبه وخامت برود، حتی در محلاتی که با تدبیر مساعدت شده‌است، این کمک‌ها با خطر مواجه خواهند شد.

قبلا جیمز داینیز نماینده خاص امریکابرای افغانستان و پاکستان گفته بود، گرچه در عرصهٔ مساعدت‌های بشری دستاوردهای وجود دارد، ولی با وصف میلیاردها دالر مصرف، هدف در افغانستان بدست نیامده‌است.

انتقاد مجلس نمایندگان از توافقنامه صلح با گلبدین

۲۰امی/کابل — تلویزیون نور: باآنکه گفت‌گوها باگلبدین به آخر خط رسیده اما اکنون حرف‌هایی از معاملهٔ پشت پرده باوبگو ش می‌رسد. براساس گزارش‌ه‌ها، درین توافقنامه ۲۰هزارجنگجوی اوبآ آمدنشد در کنار نظامیان استخدام خواهندشد. اینکاربا واکنش تنداعضای مجلس نمایندگان روبروشد. حبیبه دانش میگویدامتيازدهی به جنگجویان گلبدین غیرقانونی است واین مساله باعث نگرانی شهروندان شده و ملیشه سازی در کنار خطرناک است و آینده صلح و ثبات را با تهدید مواجه میکند.

درحال حاضر مسودۀ توافقنامه صلح با گلبدین میان شورای عالی صلح و هیأت مذاکره کننده او به امضارسیده و گفته میشود که پسر ارشدش برای امضا ونهایی سازی موافقتنامه باحکومت، به کابل آمده‌است.

گزینه های دیگر برای اصلاحات انتخاباتی

۱۹جون/کابل —صدای امریکا: وکلای مجلس فرمان تقنینی رئیس جمهوردر موردتشکیل، وظایف وصلاحيتهای کمسیونهای انتخاباتی رادوشنبهٔ هفته گذشته با کثريت آراء رد کردندوباردیگرمسیر اصلاحات انتخاباتی را به بن بست کشیدند. اما شاه حسین مرتضوی معاون سخنگوی ریاست جمهورمیگوید حکومت گزینه‌های دیگربرای بمیان آوردن اصلاحات درنظام انتخاباتی داردوبرای انتخاب مناسب ترین گزینهٔ مطابق به قانون، با حقوقدانان و احزاب سیاسی درحال گفتگوست، کارهای بسیاراساسی ونیادی مقدماتی رااتجام داده، کمیتهٔ امنیتیی وضعیت امنیت سرا سرکشور رالازبایی میکند.زیر نظر وزارت داخله که در کجاها امکان برگزرای انتخابات است. کمیته مالی زیر نظر وزیر مالیه کارمیکند، ارزنیایهای مالی را انجام میدهد. یک نامه از طرف رئیس جمهوربه دبیر کل سازمان ملل فرستاده شده. کمیته گزینش عملا ترکیش مشخص است. اصلاحات درنظام انتخابات و کمسیونهای انتخاباتی یکی از ماده‌های موافقت‌نامهٔ سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی است که میان احمدزی وعبدالله امضا شد؛ اما تا کنون درین بخش آب از آب نکان نخورده‌است. حالا این فرمان بریزمجلس سناتقارداردو جایبد فیصل معاون سخنگوی عبدالله میگویداگر فرمان ازسوی سناتیز ردشود، حکومت آمادگی استفاده ازگزینه‌های دیگری رادارد. اماهنوزیک امید است، مامنتظریم مشرانو جر که چه فیصله میکند، رای تأییدشان برآیمافوق العاده مهم است و کمک میکند پروسه اصلاحات انتخابات پیش برود و انتخابات برگزار شود.

امالاین پرسش مطرح است که اگر درین کمسیون مشترک نیز فرمان تقنینی رد گردد، چه راه دیگر برای حکومت باقی خواهدماند؟نصرالله استانکزی استاد حقوق دردانشگاه کابل میگوید درصورت ردشدن این فرمان ازسوی سنا،

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®

For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت

STATE FARM

Auto

Life

Fire

INSURANCE®

معترضان به ناامنی شاهراه ها باپلیس درگیر شدند



۱۷جون/کابل —بی بی سی:چند صدتن دراعتراض به ناتوانی و کوتاهی

دولت درحفظ امنیت شاهراه‌ها درمرکز کابل دست به تظاهرات زدند. شماری ازفعالان مدافع حقوق بشر، حامیان حقوق زنان، اعضای نهاد های جامعه مدنی و نمایندگان مجلس درین تظاهرات، که نزدیک ارگ وقصرسیددار، مقررئیس اجرایی، برگزارشد، شرکت داشتند.درهفته‌های اخیر، شاهراه‌های واقع درمناطق زیرنفوذ طالبان درمرکز و شمال شاهدافراش گروگانگیری مسافران توسط طالبان بوده‌است. چندهفته پیش آنان چهل نفر رادرولایت قندموزربودند. این دومین مورد از گروگانگیری درین ولایت بود.طالبان تاکنون تعدادی از آنراآزاد کرده، چندفراآنانرا به قتل رسانده‌وشماردیگری راهنوز گروگان دارند.تظاهرکنندگان با انتقاد ازرئیس جمهورورئیس اجرایی، خواستاراقدام موثردولت برای آزادی گروگان‌ها و برقراری امنیت در کشور بودند.احمدبهزاد، نماینده مجلس گفت اعتراض مدنی علیه ناامنی درشاهراه‌هاو پایتخت، درولایات حتی درخارج ازافغانستان ادامه خواهدداشت. تظاهر کنندگان قصد نزدیک شدن به قصرسیددار و ارگ را داشتند اماپلیس ازحرکت آنان جلوگیری کرد. در درگیری ماموران و گروهی از معترضان، تعدادی از تظاهر کنندگان زخمی شدند. در پایان این تظاهرات، قطعنامه‌ای قرائت شد که در آن تظاهر کنندگان خواستار اقدام موثر برای آزادی مسافران ربوده شده توسط طالبان و استقرار امنیت در شاهراه‌های افغانستان شدند.

حملات هوایی برداعشی وطالبان در ننگرهار وقندز

۱۹جون/کابل —صدای امریکا: نیروهای مأموریت حمایت قاطع در افغانستان بویژه قوای هوایی ایالات متحده، مواضع طالبان وداعش را در ولایات قندز و ننگرهار هدف حملات طیاره‌های بی‌پilot قرارداده اند. درتازه‌ترین مورد، مخفی گاههای افرادداعش دیشب درمناطق مومند، عبدلخیل ومزدهٔ ولسوالی اجین در ولایت ننگرهارهدف حملهٔ طیاره‌های بی‌پیلوت قوای ائتلاف قرارگرفت که در آن یک قوماندان خارجی این گروه نیز کشته شده‌است.قول اردوی ۲۰۱سیلاب درخبرنامهٔ اعلام کرد که درین حملات هوایی در ولسوالی اجین، ۲۳ داعشی کشته شده‌اند. سخنگوی والی ننگرهار از اهدام مهمات و برخی اسلحهٔ داعش در این حمله نیز خبرداد. داعشی هنوز در این مورد اظهار نظر نکرده‌است.یک باشندۀ محل گفت دیشب مناطق کوهستانی اجین چندین بار بمباری شد؛ اما معلومات ندارد که تلافاتی هم داشته است یاخیر؛ هرچندعملیات پاکسازی برضد گروه داعش درین ولسوالی پیش ازین راه اندازی شدو وزارت دفاع از شکست داعش خبر داد؛ اما هنوز هم این گروه در مناطق کوهستانی اجین حضور دارند.

دریک خبردیگردیشب مواضع طالبان درولایت قندزهدف بمب باری طیارهٔ بی‌پilot قوای ائتلاف قرار گرفت که درنتیجهٔ این حمله که عصردربروزدرمنطقهٔ تره کی ولسوالی دشت ارچی صورت گرفت، هزده طالب کشته شدندوفردی موسوم به«قاری علی» یکی از قوماندانان مهم طالبان نیزبه هلاکت رسید. محمدمعصوم هاشمی آمرانیت قندز گفت درنتیجهٔ حملات طیاره‌های بی‌پilot ازماه حمل تاکنون ۱۵۰طالب کشته شدند. ازچند ماه گذشته، مواضع مخالفین درقندزهمواره هدف طیاره‌های بی‌سرنشین قرار گرفته‌اند.

آجندای آن گردد، استفاده کند وفرمان اصلاحات نظام انتخاباتی رانافذنماید امافرمان در کل رد نشده، حالا چنانسی که مانده، مشرانو جر که متوئاند تأیید یا رد کند، اگر تأیید کرد چون اختلاف به میان می آید بین دومجلس در تصامیم شان، کمیته مختلط به میان می آید، کمیته مختلط بایدبه این مشکل رسیدگی کند، اگرآیاهم اختلاف به میان آمد،فرمان دوباره می آید به مجلس عمومی، اگرآز مجموع کل اعضا دوثلث آنرا تأیید کنند تبدیل می شود به قانون، اگر رد کرد در کل رد است.اما تعیم ایوب‌زاده، رئیس بنیاد انتخابات شفاف افغانستان میگوید پارلمان بر اساس مادهٔ ۸۳قانون اساسی، با مشکل عدم مشروعیت روبروست؛ چون زمان کاری آن تکمیل است. ولی صدیق‌الله توحیدی معاون کمسیونیکه برای اصلاحات نظام انتخاباتی ازسوی حکومت ایجادشده بود میگوید.ایجاد اصلاحات امرضروری است؛ چون جامعه جهانی بدون به میان آمدن اصلاحات در ساختارها و در پروسه انتخاباتی افغانستان، به این پروسه کمک نخواهد کرد.

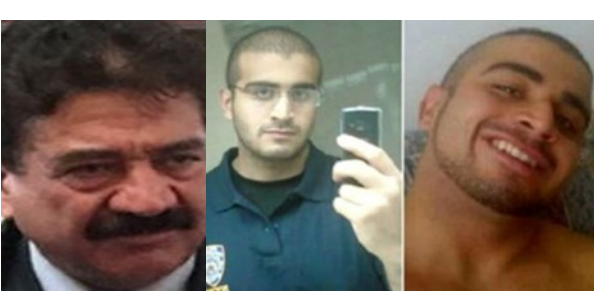
مودی محبوب ترین سیاستمدار افغانستانی‌ها

۹جون/واشنگتن دی سی — تلویزیون نور: نارندرا مودی نخست وزیر هند در سخنرانی در کانگرس امریکا، بازسازی و تأمین امنیت افغانستان را ازاولویتهای کشورش عنوان کردو تأکیدوربذ که دهشت افگنی تهدیدی برای منطقه وجهان است،پدیده دهشت افگنی تنهادر افغانستان خلاصه نمیشود وامریکا وهند باید در مقابل دهشت افگان مبارزه کنند.اینروزها مودی پیش ازهرسیاستمداربیرونی دیگر درمیان مردم افغانستان جایگاه ویژهٔ بخوداختصاص داده جایگاهیکه ظاهرالزهر تلاشهایش درراستای بازسازی افغانستان بدست آمده ، خودش هم این جایگاه را درک کرده دربسیاری ازسخرانهایش ازافغانستان بعنوان کشورقربانی تروبرسم یاد میکند؛ چیزیکه ممکنست به محویشش در افغانستان بیافزاید.(دنباله)

پروفیسر **داکتر حمیدهادی کرولانی**ای شمالی **قتل عام در ماه رمضان** تأثیر دین ویا نقش عوامل طبیعی؟

اخیرا خبرناگوار قتل ۴۹ نفر امریکایی وزخمی شدن ۵۳ نفر دیگر در یک کلب شبانه در شهر اورلاندو واقع ایالت فلوریدا نشر شد. اخبارمیرساند که بتاریخ ۱۲ماه جون ۲۰۱۶ مصادف به ماه مبارک رمضان درحدود ساعت دو یاسهٔ بعدازنصف شب در کلب شبانه ایکه بنام نبض یا pulseباد میشد، گلوله باری یک دهشت افکن شوروشعف وصدای بلندموسیقی ورقص جوانان رابه خموشی ودهشت وترس مرگباری مبدل نمودودر خارج از کلب سروصدای پلیس وامبولاسها خموشی وسکوت شب را درهم شکست . درین فاجعه جوان ۲۹ساله ایکه در امریکاتولدشده وپدرومادرش از مهاجرین افغان میباشند، بحیث قاتل وتروریست درین جنایت معرفی شده است. قبل از تبصره در ین مساله، میخواهم معلومات آتی را که در بارهٔ قاتل بدست آمده، خدمت خواننده گان ارجمند تقدیم کنم:

قاتل که باگلولهٔ پلیس به قتل رسیده عمرمیرصدیق متین نام دارد، این شخص درنیویارک تولدشده واخیرا بحیث security agentدریک کلب گلف اجرای وظیفه مینمود. قراریکه نوشته اند، پدرقاتل صدیق متین نام داردویک چینل تلویزیونی داشته وازطرفداران سرسخت طالبان می باشد. عمرمتین ازدواج اولش



باخانم ستاره یوسفی بوده وبعلاز چندמהای نسبت روبهٔ نامناسب عمر، رفتار تند وشدید اوبه پایان رسید.

عمر میرصدیق متین (قاتل) صدیق متین ازمنزל بیرون نروند. وی میکوبدشورش شی ناوقت به منزل آملودرحالیکه زنش برروی زمین خوابیده بود باش اورا بشدت ربوده وموهای اورا کش کرده و ویرالت وکوب کرده است.

اخبارمیرساند که قاتل برعلاوهٔ نفرت از زنان، مخالفت شدیدبا gayها یا homo sexualهاداشته و تعصب شدید مقابل سیاهپوستان، هسپانویها و مردم یهود نشان داده است. اما باوجود بدبینی با گیها، تحقیقات نشان داده که اوچندباردر کلب گی هارفته والکول می نوشیده است. علاوه تا بررسی بیشتر نشان میدهد که ازطریق انترنت این قاتل تروریست در مجلس مباحه با گی ها حصه گرفته است!

کلب شبانه یانات کلب اورلاندوبنام نبض یا Pulseبادمیشودو کلب مخصوص طبقه مردم هموسکجولهایمباشد که بنام LGBTیاLGBدمیشود یعنی آنعه اشخاصی که زن تمایل جنسی به زن داردومردتمایل جنسی به مرد دارد، وآنهایکه هم به جنس مرد وبه زنان تمایل جنسی دارند، وبالاخره یکعهه مردمی که جهاز تناسی خارجی خودرا ذریعهٔ عمل جراحی تغییر داده اندیعنی زن خودرا ظاهرمردساخته و مردخود رابه زن تبدیل کرده اند. دلچسپ آتست که قانون سرزمین امریکالاین گونه افراد رامحکوم نمی کندوبه آزادی آنها احترام قایل است.

در آن شب دهشتناک عمرصدیق باماشیندار نظامی AR-15داخل کلب شده و عدهٔ کثیری ازین گروه مردم را که باشوق وشعف زیاد مصروف رقص salsa بوده وبا موسیقی Merengueدر نواحی hip-hopکلب پایکوبی میکردند وخمارشراب، البته آن شرابی که عمرمتین مینوشد، آنها را ازخودبرده بود، باگلوله می زد در آورد. زن دومی عمرصدیق که نورسلمان نام دارد(وفلسطینی الاصل می باشد)واز قاتل یک فرزنددارد، به پلیس اظهار داشته که عمر میگفت به چنین عملی دست خواهلزد. علاوه بر آن، این زن درخردتفنگ بانشوهرش همراه بوده است. زن اول عمرمتین به پلیس گفته که پدر عمر تندخوی وبد اخلاق بودهمیشه به پسرش خطاب میکردو میگفت توهمو سکجول هستی. این مکالمهٔ پدر با پسرش بودعمر در جواب میخندید. ویدیوییکه قاتل ازخود گرفته نشان میدهد که درمقابل کمرهٔ تلفون دستی خود حرکات غیر طبیعی برای یک مرد دارد. احتمالا پدرش حقیقت اظهار داشته واین قاتل تروریست جوانی عیاش، بی تربیه، ردبیل و همو سکجول یا گی بوده است، نفرت او از زن این ادعارا به حقیقت نزدیک میسازد.

با بروز این فاجعه از مسجد و کلیسا، از صومعه و کنیسه، از زن ومرد، از پیر وجوان، از پیشه ور و کاسب وبازرگان تاسیاستباران صدای اعتراض بلند شد، حتی حاکمان قلائی افغانستان بخاطر حفظ جان ومال خود، این عمل رادر ظاهر محکوم کردند. در دنیای غرب شعور انسانی حیات اجتماعی رارهائمی میکند، جای شک نیست که استفاده جوان بیخاطر منفعت شخصی خود این فاجعه راصبغهٔ دگرگونه میدهندو بردین مقدس اسلام مبتازند و آنرا مسوول این دهشت افگی میدانند. پس ازین قتل عام، دانلد ترامپ این فاجعه رامربوط به اسلام رادیکال دانست وجوایانی شهر دار سابق نیویارک که عضو مافیای ایتالویهای نیویارک میباشد، هم کلمهٔ اسلام رادیکال را بزبان آورد. ایندو نفر از اظهار کلمهٔ افراطی یا fundamentalismاسلامی ابا ورز بدند زیرا کلمهٔ افراطی انظر تعریف و تاریخ اوایل قرن بیستم به مسیحیون ارتباط میگيرد، اما کلمهٔ رادیکال با وجودیکه افراطی بودن را افاده میکند اما معنی شدیدتری دارد.

آیا میتوان گفت که تعلیمات افراطی دین اسلام بروز این فاجعه راسبب شده و قاتل راوادار به چنین عملی نموده است؟ من ادعایکمک اصلا دین مقدس اسلام در این واقعه نقشی نداشت وعلت اظهارات من چنین است:

* عمر متین خودش سابقهٔ رفتن به کلب شبانهٔ هموسکجول هاراداشته است ودر انترنت در گفتگوی مجلس بین گیها حصه گرفته است. زن عمراظهار داشته که پدر عمر اورا در خانه همیشه guyخطاب میکرده است، پس اوضد گی نبوده بلکه شایدخودش تمایل به مرددیگری به شکل فاعل با مفعول داشته است. * نفرت او از زنها دلیل دیگریست که شاید اوما یل به مرددیگری بوده باشد.* چون سابقهٔ نوشیدن الکل دارد، نمیتوان اورا چنان مسلمان جدی شمرد که باید بر کلب شبانهٔ همجنس باز ان حمله نماید.* اگر او حقیقتاضد guyها بود، پس چرا هیچجگهای اوبادردش از رواج چه بازی در ولایت قندهار ولو گر و دیگر نقاط افغانستان انتقادی نکرده اند؟

درین ولایات افغانستان تمایل مرده بچه های جوان که شکلی از guyخواص میباشد، بصورت سر سام آوری جریان دارد. این نویسنده در کتاب جدید تاریخ

Omair Weekly

P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

mkqawi71@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمد قوی کوشان

داکتر غلام محمد دستگیر
ساحهٔ دلخراش اورلاندو

مهتاب غمین آمد در صحن فضا امشب طوفان الم خیزد از بام و سرا امشب الحاح سید امیر انصاری(۷) در شروع صبح روز یکشنبه دوازدهم جون ۲۰۱۶ که مطابق ۲۳ جوزای ۱۳۹۵ میباشد، در یک کلوب شبانهٔ شهر تورستی اورلاندو در ایالت فلوریدا که بنام پلس شهرت دارد و محل اجتماع و خوشگزرانی گروه گی و لیزبینهاست، این حادثهٔ خونین رخداد. من بحیث یک افغانستانی امریکائی از خبر مرگ پنجاه نفر و زخمی شدن ۵۳ نفر دیگر آنها بینهایت متأثر و غمگین شدم زیرا:

بنی آدم اعضای یک دیگر اند که در آفرینش زیک جوهر اند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضو ها را نماند قرار بناء تاثرات قلبی، تسلیت وهمدردی خود را حضور فامیلها ورفقای این جوان مرگان وهمهٔ شهروندان امریکا تقدیم میدارم. منحیث یک فرد مسلمان قلم بشوره جگرم بسوز وچشمم پر خون میشود وفتیکه میشنوم یکفرد لاابالی ولوهر که باشد هر نام ونشانیکه داشته باشد، زیر نام اسلام که به ما صلح درس میدهد، پیامبر بزرگوارش میفرماید: مسلمان واقعی و کامل کسیست که مردم از زبان و دست او در امان باشد و مهاجر کسیست که منهایت خلدار را ترک کند(۱)، همچنین از امام رضا (رح) روایت است(۲) که گفته:مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و از ما نیست آنکه همسایه اش از شر او در امان نباشد؛ درمقابل کسانی اند که مردم بی آزار رامیکشند، بردختران و بچه ها تجاوز جنسی روا میدارند، اشجار و مزارع را بحریق میکشاندند و باشندگان جامعه را به ترس و وهم روبرو میسازند و باز هم خود را مومن ومسلمان ومتقی مپترانند!

درینجاهدف ماچشم پوشی از قصهٔ قوم حضرت لوط (ع) (۳) و مردمان بدکار زماش که بعد چیزی اعمال شان رسیدند نیست؛ فقط از نگاه بشردوستی است که آنحضرت (ص) بما توصیه نموده پیشامد داریم، پیامبر بزرگ اسلام میفرماید: پس از ایمان بخداوند سرآمد اعمال عاقلانه، بشردوستی و نیکی همهٔ مردم است خواه خوب و درستکار باشد یا فاسق و گنهگار(۴).

عقیده، یک مفهوم و باور شخصی بوده، اسلام به جبر تعلیمات دینی خود را به دیگران تحمیل نمیکند، حتی درسورهٔ کهف شریف(۵) میفرماید کسی میخواهد مسلمان شود یا کسی میخواهد کافر شود...و آنچه یک فرد عمل میکند بین خود او و خدای اوست. چیزیکه اسلام برعمر متین روا داشته بود، همانا امر معروف ونهی از منکر است. این فرد تنها نام (پشتون)را نه بلکه عزت و آبروی همه افغانستانیا را بزمن زده دمیتهٔ کار را برایشان مشکل و نا آرام ساخت و به اصطلاح تیشهٔ دواله ترمپ را دسته داد؛ میتوانست آنها را از طریق تعلیمات دینی و قصهٔ حضرت لوط ویروانش را که در بایبل خودشان هم ذکر شده اگر متوجه میساخت بهتر تر میبود، نسبت به اینکه جسمش با گلوله های پلیس چلنی چلنی شد. قتلش یتیم گردید، امکان دارد خانمش حوالهٔ زندان شود. با اینهمه، گناه بزرگ را در ماه مبارک رمضان برای خود نصیب نمیساخت.

این فرد عمر صدیق متین در امریکا تولد شد، در هینجا درس خوانده و در همین مملکت بو ظایف مختلف مشغول بوده در فامیل پشتون قندهار(?) بدنیا آمده است. پدرش صدیق متین نام دارد که در بارهٔ (خط دیورند) صدا ها کشیده و در تلویزیون طاللی خطاب زیاد ظاهر شده تاهنوز هم بچرت ریاست جمهوری افغانستان در ابر تحیلات واهی خود دطیران دارد. اکنون از طریق رسانه هاخبر یاقیم که عمر متین یک مسلمان نماز خوان وروژه گیر نبوده در حقیقت روش منافقت داشته که در ظاهر مسلمان خوب و در باطن فقط یک شیطانیش نبوده است. و خدا میداند که به چه تعداد از بنگونه «دودی ز من خوری او تو د سلاخانی کوی» زیر آسمان مصفاى امریکاحیات بسر میریزند، از هوايش تنفس میکنند. از آب مصفايش مینوشندو اذدار و دیگر خوبهائش لذت میبرندوامرار حیات مینمایند وجود دارند؛ تا باز سر بر آرند و به قتل و قتل دست بزنند. یک مسلمان خوب مخصوصا در ماه مبارک رمضان می کوشد حتی به یک مور و ملخ هم صدمه نرساند چه رسد به اینکه ده ها نفر بقتل رساند و دستهٔ زیاد دیگر را مجروح سازد.

افغانستان یک مملکیتست که از نزادهای مختلف ترکیب یافته است؛ تا امروز نام بد، شهرت خراب، بی اعتباری وفسادهای که در افغانستان رخ داده بیشتر از طرف چند نفر یک گروه محلود که ما آنها را بنام پشتون (افغان) می شناسیم، بوقوع پیوسته است. این نوع پشتونها چون کرزی، زازی، متین و طالها همه به مردم افغانستان خجلت و شرمساری چیز دیگر تحفه نداده اسلام را در مقابل جهان عوض یک دین مقدس، صلح پسند وامنت جو، چون یک هیولای وحشت و بربریت معرفی کرده اند. سلسلهٔ حکمرانهای پشتونهارای تقریبا سه صد سال مردمان غیر پشتون افغانستان را از هیچ نوع ظلم و ستم خود بی نصیب نمانده اند.

متأسفانه که امریکا، این گروه پاکستانی پرست راطر فداری نموده از آنها حمایت میکند و پاکستان که پول تکس ما را با مسرت بمصرف میرساند، مردم بینوای افغانستان رابه ترس و وهم آفرینی خودینواتر میسازد، عساکرجوان امریکاو همکارانشان را قتل میرسانند، بر مناطق شرقی افغانستان هجوم میبرندوبداخل خاک افغانستان تهاه آباد میسازند که بر اثر آن جنگ خونین در طول سرحدات تورخم در جریان است، واما فرزندان رشید، صادق و وطن دوست به قیمت جان شیرین شان به متجاوزین سزای سنگین میدهند؛ نمیدانم امریکا کجاست که به تهدد پیمانهای دفاعی خوداز تمامیت افغانستان وفا نماید. این عمل پاکستان در ماه مبارک رمضان متراق قطع آب اسرائیل برای هزاران فلسطینی های روزه دار است. بدینصورت ادعای من که(پاکستان اسرائیل منطقهٔ ماست، مصداق پیدا میکند.

دربرو گرام شماره ۲۸۶ محترم شفیع عیار از زبان یک پشتون در گرد همآئی (روز بین المللی زبان پشتو) شنیدم که گفت: من اول پشتون هستم. پس از آن مسلمان! بعد دربارهٔ زبان پشتو از حلقوم خود صدا کشید و بیان داشت: لسان پشتو هم مادر ماست و هم مذهب ما. اینست یکی از اصول پشتونوالی آنها! که نه به اسلام ربطی داردونه نظریات باقی اقشار واقوم افغانستان رامنعکس میسازد. اگرچه بریتانیا و انگریزها این پشتونوالهارا از طریق آی اس آی حمایت میدارد تا نفیرقه اندازی را بیشتر دامن زند. ولی بعقیدهٔ من اکنون وقت آن رسیده که امریکا بریالیسی کمکهای سیاسی وبولی خود در برابر این مذهب جدید پشتونوالی تجدیدنظر نماید، ورنه مانندبوهابیت روزی بیشتر ازین درسر خواهد بود. ناگفته نباید گذشت که کجاست آن (امت وسط) ؟ تا براین مرد افراطی پشتون که هم به اسلام توهمین نمودوهم یک مذهب نوخود را معرفی کرد، فتوا صادر سازد! فکر من، گمان نمیکم مالاها ومولو بهای خود ساخت که پشتون هم باشند کدام عکس العمل نشان دهندند؛ و این انکار از حقیقت خواهد بود که سزای سنگین دنیوی و اخروی دارد.

چون بار بابط این ساحهٔ دلخراش که ازینعت به داعش بعمل آمده است

افغان فونديشن تقديم می کند :

محمد طاهّا کوشان فریمونت – کالیفورنیا

شف شف نی شتالو

نُسخه آشفته دیوان عمر ما میرس

- خط غلط، معنی غلط، املا غلط، انشا غلط

در مېهن زخم خورده و بلا کشيده ما افغانستان دوستداشتنی به و بزه در ایامی که ما یا به مکتب و مدرسه گذاشیم و خواستیم چیزی یا موزیم تا آینده ما چیزی بهتر از پدر و پدربزرگمان گردد؛ اما شوربختانه هر چیزی را به زور بر ما قبولانند و بویژه تاریخ دروغ سیاسی و تاریخ دروغ ادبیات پشتو واهمه بدتر که هر چه قصه و افسانه بود دروغ؛ همین دوسه روز پیش با بزر گواری دانشمند که اتفاق پشتون هم هست، از راه تلفون گپ می زدم و بگو نه شوخی برایش عرض نمودم که استاد بزرگوار ریشه یک کلمه پشتو رادر کلفرنیای جنوبی پیدا کرد؛ جناب استاد با خنده واشتیاق فرمودند: خو تو اول بگو بعدمن برایت تاریخچه این دروغهارایان می کنم. گفتم: تقریبا پیش از آمدن کولمبوس به امریکا ازراه مکسیکو ده نفر دختران پشتون به اینجا آمده بودندو مشهور به لس انجونی اینهارا میشناختندو رفته رفته به مرور زمان این لس انجونی به لاس انجلس امروزی تغییر شکل یافت! استاد بزرگوار ما فهقه خندیدو فرمود: تو هم شاید از نواده های عبدالرحمن پویل برادر علی احمد خان پویل باشی ! او هم در سر میز سلطنتی (نان چاشت) که از اتفاقات روزگار چون از فرانسه بعد از پایان تحصیل برگشته و در اولین دیدار پادشاه رسیده و حاضر بود؛ ایشان به پادشاه بسیار جدی و حق بجانب تعریف نمود که اعلیٰ حضر تا زمانی که پشتونها به مناطق شمال اروپا رسیده بودند به آنها گفته بودند که دراین منطقه جاگزین شوند. چند نفر سکه تبار نیز آنجا بودند، انها گفتند به شرطی اینجا می مانم که (دلته سیکه) به تو(ی) و رفته رفته آن منطقه نامش شد سکدنویا– که پادشاه برایش گفت: بسیاری واژه ها و اسامی جاها در دنیا شبیه بعضی کلمات در دیگر زبانها میباشد. با داستانهای گفتاری در وصف پشتونولی و شخصتهای گذشته و بدتر از آن کتاب تاریخ ادبی گنجینه پنهان(پته خزانه) مرحوم محقق بزرگ افغانستان روانشاد پوهاند عبدالحی حبیبی مرحوم، اما این همه داستان ها و دروغهای تباری و زبانی برای پشتونها چی ارمغان آورد؛ باشندگان لویه پکیکا؟ از خوست تا گردیز چی دارند؛ پیداشی و مرض و جنگ و خونریزی و فقر.

با تأسف بزرگترین جفا در حق فرزندان پشتونها محمد نعیم و محمد داود روا داشتند و آن اینکه بنام تقویه زبان پشتو مناطق پشتون نشین را بکلی از زبان فارسی بی بهره نمودند. و در زبان پشتو نیز چنان متون استوار و تاریخی پرپار از معانی وحکایات و تاریخ وفلسفه و سیاست و و وجود نداشت که حتی تا همین اکنون وجود ندارد؛ و چنانچه که این استاد بزرگوار دانستند و دانش آموخته حقوق وعلوم سیاسی در فرانسه خودش نیز می فرماید که یکی از آن محرومین از گنجینه های فرهنگ و تاریخ ادبیات فارسی خودم نیز هستم. وبه همین نزدیکی ها سه جلد کتاب را که درین باب نوشته به جوانان افغانستان ارمغان و هدیه می نمایند. برادر پشتون هم مېهن من شماها را همین دکانداران قوم و زبان و دین و مذهب همین آقای حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی و اسمعیل یون و گلبدین و و و و به پاکستان و انگریز و عربستان و امریکا و ایران چی رایگان در هر کجای فروختند و گرو کردند و بی وجه ساخته و سر افکنده مان نموده اند. در هر کجای دنیا در هر میدان هوایی که پیاده شویم و خود را بشناسیم فورن می پرسند که پشتون نیستی؟ دلبش چی است؟ از کار کردهای گلبدیت وطالب و کرزی وغنی احمدزی است. به فرموده علامه اقبال از خواب گران برخیزید و خود را دریابید و بجای اینکه خود را کلا یک یا انگشت جدا گانه حساب نمایید با همه برادران هم مېهن خویش در یک خط عیارانه برادروار به آینده بنگرید و مېهن را آباد نمایید.

برادران پشتون از تجحر خرد و اندیشه بدر آید امروز هیچ کسی حق ندارد کسی را بچرم انتقاد ولو شدید اللحن تویخ و تحقیر و هتک حرمت نماید. از افکار قبیله سلاری و زور گویی و وحشت و دهشت بجز سرافکندگی و رسوایی چیزی دیگر بدست نمی آید. از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست. /

به بچه هادر قندهار مفصل نوشته ام. امروز بعضی نویسندگان که اکثر شان گی میباشد ادعا دارند که guyها باین تمایل جنسی بدنیا آمده وتقرر آنها نیست. امروز این ادعای آنها غلط ثابت شده، مطالعات و تحقیقات در مورد حملهای دو گانگی و تحقیقات وسیع وراثت ومعاینات لابراتواری ثابت کرده که تمایل جنسی به همجنس زادهٔ عوامل ناهنجار محیطی ومحرومیت جنسی میباشد. * درمسلمان بودن این قاتل شک و جود ندارد. باوجودیکه درقرآن مجید بار هادربارهٔ رعایت به زنان ومادران اشاره شده و پیغمبر نازنین اسلام در طول حیاتش از حقوق زنان دفاع کرده وحتی در آخرین خطبه ووداعیه اش درمسجدنصیره نزدیک کوه عرفات تایید فرمودند بر زنان مهربان باشید، قاتل این فاجعه آنرانبدیده گرفته است.

* دراسلام ماه رمضان برای جنگ وخونریزی یک ماه حرام است. اگر این قاتل مسلمان می بود آیا درین ماه دست به چنین کاری میزد؟ حتی از نظر دین اسلام قتل یکفیر بگناه مثل آنست که تمام بشریت را قتل کرده باشد.

در نتیجه، آتاییکه دین اسلام را درین فاجعه مسوول میدانند سخت به خطا رفته اند. به نظر من عمل این تروریست قاتل، تعصب وبدبینی اودر برابر مردمان دیگر مثل سیاهپوستها، یهودها وهسپانویهاو زنهامه منشاء وفقدان تعلیم وتریه مجموعهٔ از ضعف خانواده، انحراف فکری وروحی، بی مبالائی، نوشیدن الکل و گرفتاری در یک حلقهٔ جرم وجنایت بوده است، و اظهارات این قاتل که وفاداری خودرابه گروههای القاعده، حزب الله، داعش اظهار داشته و یا دوباره به عربستان برای حج عمره سفر کرده بود، همه جنبهٔ نمایشی واستفاده ازدین اسلام برای مقاصد شخصی این جنایتکار هرزه بوده است. /

خواستم تبصرهٔ کوتاهی داشته باشم: داعش یا ISIS یا ISILاست که همه یکنام بوده و بنام دولت اسلامی عراق و شام یا سوریه شناخته شده است. درحالیکه ۹۵٪ ممالک اسلامی و علمای غیروهایی اعمال و کردار شان را غیر اسلامی خوانده، اکثر آنها را مسلمان ندانسته نو کران دشمنان اسلام قلمداد کرده اند؛ رسانه های غربی و حکومتهای دیگر همه به آنها باذ کر نام (دولت اسلامی) غیر مستقیم در پیش راهداف تروریستی شان کمک میکنند، من به انها نام (ایله گردان شورشی اخراج شده از شرق وسطی) یا EVIL (Evil of Vagabond Insurgents of Levant نام داده ام. در SIS لممالک سوریه و عراق و در ISIL که اوباماهمیش استعمال میکند ممالک شرق وسطای شرقی چون سوریه، لبنان، اردن، و اسرائیل شامل است. امید ازین بیعلائن گرو بهایا یک اسم (شیطان) یادشوند. نو نوشته ام راباشعری (صفحهٔ ششم) دیوان(۶) اشعار شیوای روانشاد الحاج سید امیر انصاری پایان میبخشم:

داکتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سر نوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

عبدالودود ظفري
المېدا- کالیفورنیا
جزييت حمله بر شفاخانه داکتران بدون مرز در قنذر ویی امدهای آن
* بررسی های نظامی امریکائیتجهٔ تحقیقات خودراطی گزارش ۳هزار صفحه یی پیشکش کردند.
* حمله، یک اشتباه انسانی و قصور تخنیکي خوانده شده
نه یک جنایت جنگی،
* عاملان حمله تنبیه اداری شدند.
* نتیجهٔ بررسی هافناعت سازمان داکتران بدون مرز را حاصل نکرد.
* سازمان داکتران بدون مرز خواستار بررسی حمله، توسط یک نهاد مستقل شد.

روزنامهٔ نیویارک تایمز گزارشی راز برعنوان(پناگون جزئیات اشتباهات زنجیرهٔ حمله بر بیمارستان درافغانستان افاش نمود)به قلم مینو روزنبرگ در شمارهٔ ۳۰ اپریل ۲۰۱۶ به نشر سپاریده است.
اینک بر گردان فارسی گزارش خدمت تقدیم شود :

یک چرخبال ۱۳۰ ای سی توپدار امریکایرفراز یک حویلی در قنذر که در آن دستهٔ از جنگاوران طالب حضور داشتند، دور میزد تا هدف را به درستی تشخیص دهد و سلاح مدتش خود را استعمال نماید.
فیر موشک طیاره را مجبور نمود موقعیت را تغییر دهد و سیستم آتش هوایما بر مزمرهٔ خالی دوراز پایگاه دشمن آتشباری کرد. در حدود سه متر دور تر بطرف جنوب غرب یلوت یک مجتمع عمارات را دید که تاحدی مشابه عماراتی بود که مقامات نظامی امریکا و افغان آنرا اینها گاه طالبان و انمود کرده بودند و ۹ نفر در آن دیده شده بود که در آنجا رفت و آمد داشتند.

رهنمای چرخبال توپدار برای اخذ هدایت با کنترولر هوایی قوای خاص امریکا در زمین تماس قایم نمود، قوای خاص فوراً جواب بدون ابهام داد: «حویلی در اختیار طالبان می باشد و در آن نه فرد دشمن قرار دارند.»
جواب کنترولر نادرست بود، تشخیص غلط او یک حلقه از حلقه های زنجیر غلطی های انسانی و وسایل تخنیکي بود که سال قبل منجر به حملهٔ ویرانگر بر بیمارستان داکتران بدون مرز در افغانستان گردید که در بمداد سوم اکتوبر ۲۰۱۵ به تعداد ۴۲ نفر به قتل رسیدند.

در گزارش بر حجم سه هزار صفحه یی بررسیهای نظامی بیان داشتند که آن ماموریت از آغاز تا انجام به خطا صورت گرفته بود، حنا زمانی که مقامات داکتران بدون مرز به فرماندهای امریکاموضوع را اطلاع دادند که یک چرخبال بر بیمارستان در حال حمله میباشد، حمله فوراً توقف داده نشد زیرا چنین استنباط میگرد که امریکاییها تایید نمی کنند که در حقیقت بیمارستان از طالبان خالی بوده باشد.

یک فرمانده امریکایی که نام خود را افشا نکرد، بیان نمود: «توقف فوری آتش در حالیکه ما از اوضاع اطلاع کافی نداشتیم، قوای زمینی ما را به خطر مواجهه میکرد.»
جنرال ووتل Votell افسر بلند پایه در مرکز فرماندهی نظامی که نتیجهٔ بررسیها را در یک کنفرانس خبری در پناگون ارایه میکرد، اظهار داشت شانزده سرباز امریکا بن شمول یک جنرال بخاطر نقش شان در آن حمله مجازات شدند. مجازات این سربازان محض یک تأدیب اداری میباشد و هیچ کدام شان متهم به خیانت نشده اند، زیرا آن حمله یک حملهٔ غیر قصدی تشخیص داده شده است.
نه کارکنان چرخبال و نه افراد قوای خاص که حمله را رهنمایی کرده بودند، نمی دانستند که آنها بر یک شفاخانه یورش میبرند. مجازات شامل تعلیق وظیفه، اخراج از مقام فرماندهی و یک مکتوب تنبیه میباشد که میتواند بصورت جدی بر حرفه و شغل صدمه وارد کند و یا آنرا پایان دهد. جنرال ووتل در یک مورد بسیار واضح بیان داشت که بیمارستان محل محفوظ بود که طرف استفادهٔ طالبان قرار نداشت، در حالیکه شماری از زخمی های شان در آنجا تداوی شده بودند. گزارش که بروز جمعه انتشار یافت جنرال ووتل آنرا یک(حادثهٔ نه انگیز) خواند و تفصیل بیشتر در آن باره پیشکش نمود. جنرال ووتل بیان داشت که امریکایی هانتوانستند مقررات جنگ مسلح را مراعات بدارند. اظهار جنرال ووتل با ادعای بسیاری از مامورین ارشد افغانی که جنگاوران طالب در بیمارستان وجود داشتند و بیمارستان داکتران بدون مرز در قنذر یک هدف مشروع بود. منافات دارد.

پخش در یافتهای بررسیهای نظامی و اعلان تنبیه های انضباطی قناعت داکتران بدون مرز و گروههای حقوق بشر را فراهم نکرد و بروز جمعه ۲۹ اپریل ۲۰۱۶ باز هم خواستار بازجویی و تحقیق جنایی توسط یک نهاد مستقل شدند. بعضی هابر گفتار جنرال ووتل که گفته است حمله جنایت جنگی نمی باشد زیر بصورت غیر عمدی نتیجهٔ یک اشتباه و قصور تخنیکي بوده، اعتراض کردند . به عقیدهٔ جان سفتن، مدیر پالیسی دیدبان حقوق بشر آسیا، وارد نکردن اتهام جنایت جنگی، یک موضوع غیر قابل توضیح میباشد. برای تعقیب قانونی جرایم جنگی که بصورت بیباکانه صورت گرفته باشد، وجود راد عمل و جرم دارد بر اساس کد نظامی امریکایی

اعتنایی با غفلت لزوما کسی را از مسئولیت جرمی معاف ساخته نمیتواند.

ارابه رؤوس مطالب که در ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۵ در قنذر با تاخت و تاز طالبان بوقوع پیوست، هفته ها و ماهها پس از وقوع آن تیی شد: چرخبال توپدار به درخواست یک کوماندوی افغانستان که زیر آتش قرار داشت، تقاضای حمایت میکرد، واکشش نشان داد و عمارت بیمارستان را اشتباهانم با پایگاه طالبان مورد حمله قرار داد، بیمارستان با وجود تقاضاهای مکرر داکتران بدون مرز، بصورت مسلسل زیر رگبار آتش سلاح ثقیل قرار گرفت. قوای خاص امریکا که هدایت حمله را دادند، روزهای پیش از آن زیر فشار خیلی سنگین قرار داشتند، سقوط قنذر بسیار سریع و خیلی شگفت انگیز بود که بدست طالبان صورت گرفت. دو تیم قوای خاص با عجله فرستاده شدند تا موقع تیمی که قبل از در میدان هوایی قنذر مستقر بود تقویت بشوند.
دوروز بعد قوای امریکا با قوای افغانی راه خود را به شهر قنذر باز کردند و یک موقع پیشروی در مرکز بیس قنذر اتخاذ نمودند. قوتهای امریکائتوقع داشتند که ۲۴ ساعت در آنجا بمانند، ولی دو روز دیگر برای دفع حملات مکرر طالبان گذرانیدند، به کمبود مهمات و بتری برای وسایل خود روبرو بودند و به ندرت در آن دوروز خواب داشتند. در همان شب قوای خاص به آمران خود اطلاع دادند که قوتهای افغانی برنامه دارند بر عمارت امنیت ملی قنذر که بحیث پایگاه طالبان در آمده بود حمله نمایند، عمارت امنیت ملی در حدود ۳۰۰ متر از قوتهای امریکا فاصله داشت که نمی توانستند بصورت مستقیم آنرا ببینند.

صدها کیلومتر دور تر در پایگاه هوایی بگرام، کارکنان چرخبال ۱۳۰ ای سی آمادگی میگرفتند که شب را در آسمان فراز قنذر در حمایت قوای امریکا و افغانی سپری بدارند که برای بدست آوردن دوبارهٔ شهر در جنگ بودند. ولی یک تلفون عاجل، چرخبال را مجبور نمود که ۹ دقیقه پیشتر از تقسیم اوقات معینه پرواز کند. وقت کافی نبود تا به کارکنان هوایما معلومات کامل داده شود. از اطلاعات دنیایس، موقعیت بیمارستان را که تعمیر محفوظ بود تشخیص دادند، ولی اطلاعات در کامیو تر چرخبال درج نشده بود. رادیوی سلاتیت هوایمای مذکور هنگام پرواز فراز کوههای هندوکش بسوی قنذر از کار افتاد، کارکنان هوایما قادر نبودند بدون رادیو اطلاعات را فرستند و یا خود بدارند و یا از ایمیل استفاده کنند. موضوع تعجب آورد دیگری زمانی واقع شد که هوایما بر فراز قنذر هدف موشک زمین به هوای طالبان قرار گرفت، هوایما بخاطر رفع تهدید موشکهای بیشتر مجبور شد به یک موقع امن تر چندین کیلومتر دور تر از تعمیر امنیت ملی قنذر عقب بنشیند.

عقب نشینی طیاره یک مانور ساده نبود، این طیاره طوری ساخته شده که به آهستگی پرواز میکند و در یک دایرهٔ یک یادمایلی بالای هدف دور می خورد تا سلاح خود را بشمول خمپاره ۱۰۵ میلی متری آمادهٔ فیر کند. وسایل هدف یاب هوایما استعداد دارد هدف را با دقت در یک فاصلهٔ نسبتاً کوتاه تشخیص دهد.

داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ
سند یاگو – کالیفورنیا
اعضای پارلمان فعلی دیگر شایستگی انتخاب دوباره را ندارند؟

فرمان تقنینی رئیس جمهور در مورد انتخابات با اکثریت توسط اعضای ولسی جرگه رد گردید و واین رفتار غیر مسؤانه اعضای پارلمان حکومت کم کار اشرف غنی را بصوب یک بحران نامعلوم سوق خواهد داد.
درفرمان تقنینیی اعضای پارلمان به پروتست شدید شهر وندان کشور روبرو شد ولی این تیکه داران قدرت وقتی به آرای مردم نگذاشتند. برای آنکه شخصیت و سوبه دانش این نمایندگان را که چطور به کرسی پارلمان نشسته اند بخوبی توضیح کرده باشیم بر میگرددیم به اولین انتخابات پارلمان. شورای ملی یاولسی جرگه بتاریخ ۱۸ سپتمبر سال ۲۰۰۵ بر گزار شد و نتایج انتخابات بتاریخ ۱۹ اکتوبر بایست اعلان میشد اما نظریه فساد اداری، سوءاستفاده ها و تقلب، نتایج نهائی آن بالاخره بتاریخ ۱۲ نومبر اعلان شد.
جمعابه تعداد ۲۴۹ نماینده به اصطلاح مردم انتخاب شدند و چون اولین انتخابات لویه جرگه بعداز ۳۳ سال بود، نماینده های این لویه جرگه اکثرا کسانی بودند که به حمایت و پشتیبانی جنگجویان منطوقی، گروههای جهادی و گروههای قومی و قبیلهی چوکی های پارلمان را از آن خود ساختند و صرف ۲۸ فیصد از چوکیهای به اصطلاح خانه ملت به زنان کشور تعلق گرفت و تعداد رایدهندگان به تناسب انتخابات ریاست جمهوری خیلی کم و از نگاه فیصدی کمتر از پنجاه % را احتوا نمود، چون اولین انتخابات بود از فسادهای گسترده و سوء استفاده های که در جریان انتخابات ولسی جرگه صورت گرفت همه بدیده اغماض نگریسته شد. این خراهای سیاسی باعث آن شد که اشخاص یککفایت، کمسواد و حتی بیسوادهی حیث نماینده ملت انتخاب شوند.

بسیاری این نماینده ها با تاسف عمیق حتی مفهوم وسیستم پارلمانی را قطعاً درک نکرده اند. تصمیم و یا رایگیری در ولسی جرگه به اساس روابط قومی و قبیلهی صورت میگرفت و نماینده هامسایل قومی، قبیلهی، زبانی و مذهبی را در شورا ز یاد تر دامن زدن و قطعابه مسایل یاپروپلم سیاسی و ملی کشور علاقه نگر فتند.

یکمعداد اعضای لویه جرگه به اساس گزارش رسانه ها هفته ها و حتی ماهها در مجالس شورا حاضر نشده و به پروسه رایگیری سهم نیبگیرفتند. گرفتاریها و مسایل شخصی و خصوصی خویش را نسبت به مسایل با اهمیت ملی ترجیح میدادند، در جریان رایگیری به مسایل ملی چون نصاب نمایندگان به سبب غیر حاضر بهای مداوم و متداوم تکمیل نمیشد روزها و حتی هفته ها رایگیری به عقب میافتاد. معاش دالری بلند از سببی برای اعضای این شورا تعین گردید که نماینده های ملت به مضیفه مالی گرفتار نشوند و به رشو ستانی و فساد روی نیآورند. بعضیهابه این عقیده اند که و کلای شورا اصلاً موقف حساس یک نماینده واقعی را در برابر ملت درک نکرده در جریان رایگیری ظرفیت نداشتند که مسایل را از جهات مختلف که به مفاد مملکت وخیر ملت باشد تحلیل و بعد در رایگیری با تقاهم به اهمیت موضوع و با نظرداشت حل پروبلهای سیاسی واجتماعی بسویه ملی و وجدان پاک سهم بگیرند.

ملت بیچاره و جنگرده بارها شکاچهارا توسط رسانه های نشراتی کشور بلند نموده با صدایی بلند خطاب به نمایندگان بارها اظهار نمودند که در تاریخ افغانستان به نماینده های شورای ملی آفتقار امتیاز فوق العاده مادی مانند ماشینهای آخرین سیستم، محافظین، تهیه منازل مسکونی و توزیع زمین کمک نشده بود، که نماینده های فعلی ما از این مزایا برخوردارند ولی این ثروت با د آورده را غنیمت شمرده و از مسئولیت ایمانی و وجدانی خویش سرباز زدن و بویک غرور خاص هنوز هم انتظار دارند که در انتخابات شورا با زهم از جانب گروههای جهادی و زد و بندهای قومی و قبیلهی و رشوه کاندید شده و چوکی های خویش را دوباره اشغال خواهند نمود

زمانی به رسانه های نشراتی و تلویزیونهای ملی فرصت میسر شد تا از جریان رای گیری وصحبت نماینده هادر مسایل سیاسی و طرز بحث و مشاجره سیاسی و فعالیت شورا را رپور تهیه و برای معلومات ملت توسط دستگاه تلویزیونهای ملی نشر گردید و تلویزیون های کابل چندین بار در صفحه تلویزیون به ملت نشان داد که چطور یک تعداد از نماینده های ملت در تالار شورا که بچهای مهم سیاسی در جریان بود در صندلی های خود یا بخواب عمیق رفته یا مصروف گفتگو، قصه و سرگوشی با نماینده پهلهی خویش بودند. نشرات تلویزیون که صحنه واقعی را در تالار شورا نشر نمود باعث خشم نماینده های پارلمان گردید و سرو صدای و کلا بلند شد و دستگاه نشراتی تلویزیون را دیگر در تالار شورا ممنوع قرار دادند.

انتخابات دومی پارلمان در سال ۲۰۱۰ بتاریخ ۲۲ می برگزار شد و تاریخ برگزاری انتخابات پارلمانی از طرف کمسیون مستقل انتخابات تعیین گردید، کمسیون با این حرکت خود مورد انتقاد جامعه جهانی قرار گرفت، جامعه جهانی معتقد بود که برای آوردن یک رفرم و یا تبدیلات در انتخابات پارلمانی وقت کافی نبوده و ملت بیچاره با زهم هراس داشتند که در انتخابات پارلمانی مانند انتخابات ریاست جمهور فریبکاری و تقلب گسترده بوقع خواهد پیوست که صورت گرفت.

کمسیون مستقل انتخابات در جریان انتخابات ریاست جمهوری اشتباهات زیادی را مرتکب و باعث جار و جنجال سیاسی به سوبه ملی و بین المللی شد و درراس این کمسیون مرحوم آقای لودین قرار داشت که از جانب آقای کرزی به این پست انتصاب شده بود و نظر به اشتباهات کمسیون مستقل انتخابات انتقادات از داخل و خارج کشور و حتی ملل متحد در طرز روش و مدیریت انتخابات که باعث تقلب گسترده گردید، مسئولین اداری کمسیون مستقل انتخابات را به بی کفایتی، جانبداری و سوءاستفاده در شمار صندوق های رای نمودند و همه به این نظر بودند که آقای لودین و داؤود علی نجفی افسر عومی کمسیون انتخابات از پست های خویش استعفا و یک رفرم عومی به ریاست کمسیون مستقل انتخابات آورده شود تا در آینده از تقلب و فریب کاری جلوگیری بعمل آید و جریان انتخابات بصورت شفاف و بدون جانبداری از حکومت و یا حزب و گروه صورت گیرد.

وظیفه پارلمان بود که اعضای برجسته کمسیون مستقل انتخابات بایست توسط پارلمان تعیین شود و بنایست از جانب آقای کرزی انتصاب شود. انتخابات شورای ولایتی در عین تاریخی که انتخابات ریاست جمهوری بر گزار گردید(۲۹ اسد) انتخابات شورای ولایتی نیز بر گزار شد چون سروصدای زیاد در مورد تقلب ریاست جمهوری در ساحة بین المللی وهم در سطح ملی خیلی بلند بود، با تاسف که جریان انتخابات شورای ولایتی و تقلباتی که در انتخابات شورای ولایتی صورت گرفت بکلی تحت الشعاع جنجالهای سیاسی انتخابات ریاست جمهوری قرار گرفت و چندان مورد توجه دستگاه نشراتی و بررسی موسسات بین المللی قرار نگرفت.

بنابه گزارش رادیوی آزادی بتاریخ ۱۳۸۸، ۲۰۱۰، اعضای ولسی جرگه افغانستان در جلسه عومی روز یکشنبه شدیدترین شکایات نامزدان انتخابات شورای ولایتی را مطرح کردند که به شمول کابل در تمام ولایات این انتخابات نیز با تقلب وسیع همراه بود. با گذشت نزدیک به پنج ماه از انتخابات شورای ولایتی گذشت و هنوز هم نتایج این انتخابات در بسیاری از ولایات اعلام نشد و در مورد نتایج اعلام شده هم شکایات زیادی موجود بود.

به گفته برخی از و کلا آرای بسیاری از کاندیدات پائین آورده شده و به رای نامزدان دیگر افزود گردید که در آرای پائین قرار داشتند».
رادیو آزادی

سید فقیر علوی

ترجمه از واشنگتن پست ۲۶ می

شرایط امنیتی بعداز مرگ ملا منصور !

بعداز آنکه در بهٔ سلاح پیشرفته و ابهام آمیز امریکابنام(درون) رهبر طالبان ترور شد، بعضی اوشخصی را بر گزیدند که احتمال دارد تلاشهای حکومت افغانستان و همکاران غربی آن، برای ایجاد صلح در افغانستان به ناکامی منجر خواهد شد.
هیبت الله آخندزاده، یک مردمذهبی و در عین حال یکن از قضات برجستهٔ طالبان در وقت ترور ملا منصور، و یکی از معاولین او بود. ترور این شخص یزعم طالبان اختاریست به علاقمندان که کوشش برای ایجاد صلح در افغانستان، گروه یک رو با خواهد بود.

هیبت الله به زعم طالبان جنگ را بین گروههای جدایی طلب طالبان افزایش خواهد داد و در عین حال مساعی پانزده سالهٔ افغانستان و دوستان غرب را برای ایجاد صلح درین کشور به ناکامی سوق خواهد داد. در خلال یک مصاحبه طالبان، که چهارشنبه گذشته نشر شد، اظهار داده اند که مساعی این گروه هرگز پایان نخواهد یافت برعکس، طالبان با مقاومت بیشتر و سخت تر در برابر دشمنان قرار خواهند گرفت. یک ساعت قبل ازین اعلامیهٔ طالبان، یک مرد انتحاری این

گروه در خلال یک حملهٔ انتحاری یازده مامور دولت افغانستان را به قتل رساند. ذبیح الله مجاهد که خود را ضاق طالبان میشارد، گفت که این حرکت بعنوان انتقام از حکومت افغانستان بود که یک هفته قبل شش طالب را در زندان معروف بلچرخى اعدام کرد. آخندزاده رهبر جدید پیش ازین رهبری عملیات نظامی طالبان را بعد ده داشت و همراه با سراج الدین حقانی علیه سربازان حکومت می جنگید.

طالبان نسبت به مرگ ملا منصور سه روز مراسم عزاداری برپا کردند، قرار ادعای برخی اشخاص که او را از نزدیک میشناسند، آخندزاده مرد متواضع و آرام به نظر میرسد و گمان میروند که باردیگر عدهٔ از طالبان را که با رویکار آمدن ملا منصور بحیث رهبر طالبان جداشده بودند باردیگر گردهم آورد. تحت قیادت ملا منصور، طالبان پراکنده شده بودند، حتی علیه یکدیگر به زدو خورد مسلحانه میپرداختند، چنانچه در منطقهٔ جنوب افغانستان این زدو خورد شکل نهایت جدی را اختیار کرد. برخی تحلیلگران به این عقیده اند که آخندزاده که با ملا عمر مناسبات محکمی داشت موفق خواهد شد طلبان را بار دیگر گردهم آورد و به این ترتیب موفقیت طالبان را افزایش بخشد. آخندزاده همچنان به گروه حقانی به منظور اینکه بین طالبان توازن برقرار شود، زیر این گروه حقانی بود که ماه گذشته در ۷مى بایک حملهٔ انتحاری در کابل موجب قتل ۶۴ نفر شد. ملا قلم الدین، وزیر سابق طالبان که فعلاً در کابل بسر میبرد عقیده دارد که آخندزاده مردی نیست که به عجله و شتاب تصمیم بگیرد. آخندزاده در دوران حکومت طالبان، از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، در راس قوهٔ قضاییه قرار داشت تا اینکه طالبان در افغانستان شکست خوردند و روانهٔ پاکستان شدند. آخندزاده درمرسۀ اسلامی واقع بلوچستان درس میداد تا اینکه ملا منصور سال گذشته ویرا بحیث معاون خود برگزید. امروز افغانستان، بعداز انتخاب آخندزاده، مکرراً آمادگی مذاکرات صلح را پیشنهاد کرد، جاوید فیصل نطق ریاست اجراییه، آخندزاده را به مذاکرات صلح فرا خواند که یگانه راه حل سیاسی بشمار میرود، در غیر آن به سرنوشت ملا منصور گرفتار خواهد شد !
توماس رتنگ Thomas Ruttingمعاون موسسهٔ نام تحلیلیگرسیاسی در افغانستان، در برابر یک سوال اظهار داشت که هر چند آخندزاده یک چهرهٔ سختگیر شمرده میشود، ولی بهر حال احتمال دارد که باب مذاکرت صلح را با افغانستان رو بدست گیرد، موضوعی که ملا منصور سخت با آن مخالفت داشت. در عین زمان باید افزود که بعد از قتل ملا منصور، طالبان احتمال دارد موقف خویش را شدید تر دنبال خواهند کرد.

حسن عسکری رضوی تحلیلگر سیاسی در اسلام آباد که موافقت طالبان بحیث رهبر جدیدشان، این احتمال را نیز ابداع میکند که پسر آخندزاده که حالا ۲۴سال عمر دارد، بعد از فراغ مدرسه، جای پدر را بگیرد. عبدالامرخیل تحلیلگر سیاسی در کابل، در گرو این عقیده است که آخندزاده که گفته میشود بیشتر پیرو پالیسی حقانی نیست، شاید عنقرب یک عملیات خشن در افغانستان برادز تا موقعیت خویش را بین طالبان تحکیم کند. ولی منابع امنیتی افغانستان عقیده ندارند که طالبان فکر میکند که رهبر جدید ن میخواهد این حرکت خشن را در آغاز روی دست گیرد. چودری نظرعلیخان، وزیر داخلهٔ پاکستان عقیده دارد که ترور ملا منصور در روابط پاکستان و امریکا اثرات ناگواری را بدنبال خواهد داشت، او در خلال یک کنفرانس مطبوعاتی افزود که هیچ کشوری حق نخواهد داشت که به این پیمانده در داخل خاک یک کشور مستقل دیگری به چنین حرکتی بپردازد، حکومت امریکا فقط چند لحظه بعد ازین عملیات حکومت پاکستان را خبر داد.

نوت: این گزارش را سید صلاح الدین و محمد شریف از کابل و شریف حسین از پاکستان به واشنگتن پوست تهیه کرده اند. /

مباحثات و کلا را در این مورد از نزدیک تعقیب مینمودند بعدا اظهار داشتند که اگر به شکایات نامزدان شوراها ولایتی رسیدگی نشود امکان آن میروند که کشور به یک بحران دیگر سیاسی مواجه گردد. آقای محمد یونس قانونی که رئیس مجلس شورای آتوقت برای این منظور هیئتی از نمایندگان را تعیین نمود که در مورد شکایات رسید به بازرسی کند و اگر این کمسیون نتوانست قناعت شکایات مردم را حاصل کند این مسئله به ارگان های عدلی وقضائی راجع خواهد شد.

اکنون که انتخابات سومی ولسی جرگه در آینده برگزار میشود، فکر نمیشود که در این وقت کم تعدیل و تغییری در مدیریت کمسیون مستقل انتخابات آورده شود. با زهم بشما وعده میسپارم که اگر انتخابات ولسی جرگه برگزار هم شود با زهم همین اشخاص کم سواد بی کفایت وفاقد اعتبار مردمی توسط زورگویان روی صحنه آورده خواهد شد که جنجالهای قومی سمتی وزبانی را در بین پارلمان مشتعل خواهد ساخت.

طریق دیگری که ملت از شر این بی سوادان که خود را نماینده ملت جازده اند رهایی یابد، باید حکومت اشرف غنی یک حالت اضطراری را در کشور اعلان کند و پارلمان را منحل سازد. دیگر راهی وجود ندارد، آنهم در صورتی امکان پذیر است که جامعه جهانی وخصوص امریکا آنرا حمایت کند. /

عبدالله حبیبی و معصوم ستانکزی تایید شدند

۲۰ جون/ کابل — بی بی سی: مجلس صلاحیت وزیر دفاع و رئیس امنیت ملی این کشور را امروز تایید کرد.در نشست امروز محمد معصوم استانکزی، باکسب ۱۶۷ رای تایید بعنوان وزیر دفاع کار خود را آغاز خواهد کرد. ۲۴نماینده امروز در مجلس حاضر بودند و نامزدهای وزارت دفاع و ریاست امنیت ملی باید ۱۱۳ رای تایید می گرفتند. وزارت دفاع افغانستان از زمان ایجاد دولت وحدت ملی در سال ۲۰۱۴ تا کنون از سوی سرپرستان اداره می شد. مجلس نمایندگان صلاحیت وزیر دفاع را یکبار در دلواسل ۸۳۹۳ شیر محمد کریمی و باردیگر در سلطان ۱۳۹۴ معصوم استانکزی را رد کرد.

نظری به انتشارات تازه پروفیسرداکترحمید هادی

عنوان کتاب: رویدادها (تجر به های) افغانستان نویسنده : پروفیسر داکتر حمید هادی

شناسایی صمیمانه ویرادرانه ام با هممسلك وهم اندیشهٔ گرامی ام پروفیسر داکترحمیدهادی وقتی پرنمر وشگرفان شد که در بعضی گرد هما یی های انجمن داکتران افغان درامریکا، از نزدیک هم صحبت شدیم، ومقالات پرمحتوا و پژوهشی وتحلیلی اورا درجریدهٔ وزین امید مطالعه کردم، از روند کار تحقیقی او راجع به رویدادهای افغانستان، که بیش ازدوسال به اینطرف رویدست داشت، قبلا آگاه بودم وازبخت نیک دوروزقبل همین تالیف ارزشمندچاپ شدهٔ اودرهمین راستا ذریعهٔ پوسته بدستم رسید. درنسخهٔ خط ضمیمهٔ آن که بالطف زیاده به من فرستاده، چنین نوشته : « :طوریکه درمقدمهٔ کتاب نوشته ام. کوشش کرده ام با بیطرفی دوتاریخ اظهارنظرنمایم وحقایق دین وتروریسم را طوریکه اسنادو مدارک حکم میکند بنویسم…»

بهر حال جلداولکتاب اوع۵۶صفحه جلد دو درع۵۰صفحه بابشتی زیبا و جذاب توسط (اوتور هاوس) درایالات متحده به زبان انگلیسی روشن وشبوا بچاپ رسید که نشانهٔ بارزی ازفهم ودقت پژوهشی پروفیسر حمید به شمارمیرود. موسسهٔ معروف اوتور هاوس Author Houseدریشتی کتاب اظهارات پرمحتوایی نموده که فشردهٔ آثارترجمه میکند:

«کتاب (افغانستان اکپربانسی) یک تحلیل وبررسی فراگیر وجامع رویدادهای تاریخی است که درراستای سیاست ودین وپدیدهٔ تروریسم درافغانستان خاصتا منطقهٔ جنوب شرق وسایرمناطق کشورنگاشته شده است.مولف (داکترحمیدهادی) باصراحت تمام منبع وعلل بقدرت رسیدن طالبان راکه منشاءمهم آشوب در عصر کنونی بشمارمیا یبد، بطورواضح وزنده تشریح نموده است. درین راستامیتوان استنباط کرد که جطورقوهٔ محر که مضره دریک پدیدهٔ منحوس سیاسی، دینی افراطی و تروریسم دست بهم داده ویک جنگ خشتوتبار وفاجعهٔ انسانی رابار آورده است.

مولف هادی بطورواقعیبنانه این پدیده راتشریح و ترسیم نموده و دریک مناظرهٔ سیاسی قراردادده است: باهم گره خوردن حملهٔ روسیه به افغانستان، نقش امریکایها، پاکستانهاوسعودیها درمشعل شدن جنگ داخلی وظهور القاعده که فاجعهٔ ۱۱سپتمبر رابار آورد. مولف درراستای پژوهش وتحلیل خاص وواحدی، اعمال تروریستهایی اسلامی رادربرابر مردم امریکا درطول ۱۷۶سال باوضاحت برملا ساخته ونتیجه گرفته که اشغال وحملهٔ روسها درقبال افغانستان یک دورهٔ محر که ظهور تروریسم معاصرمحسوب شده وناکامی سیاست خارجی هردو ابرقدرت به اندازهٔ زیاد باعث نشو ونمای شبکهٔ دهشت وترورگردید. درپهلوی تشریح واقعهٔ ۱۱سپتمبروجنگ عراق، حمیدهادی بادرایت وسعی بلیغ ادیان جهانی وخاصتا ادیان ابراهیمی را به مناظره کشیده وریفورم مذهبی اسلامی رامورد بحث قرارداده است.»

خوانندهٔ گرامی جریدهٔ وزین امید، انیک میپردازم به ترجمهٔ فشردهٔ پیشگفتار کتاب پرمطلب وروشنگردوست نهایت عزیزو فرزانه و هم سلك پروفیسر حمید هادی : راستی اولترازهمه مراتب مقام علمی پروفیسرهادی راطوریکه درصفحهٔ اخیرتحت فوتوی خودش بچاپ رسیده، به شمارایه میدهم : «داکترحمیدهادی یک پروفیسرسابق یونیورستی کرواتلانی شرقی درفاکولتهٔ طب همان یونیورستی بوده وجندین جایزهٔ اکادمیک رانصبیب شده است. وی مولف نشرات زیادوجامع بوده ونصف عمرخودرادروطنش افغانستان بسربرده است. مطالعات چهاردههٔ او درراستای سیاست، دین و پدیدهٔ تروریسم جریان داشته ونشانهٔ مساعی پژوهشی اومیباشد»

پروفیسرهادی درمقدمهٔ کتاب پرمحتوایش که من فشردهٔآرآزانگلیسی ترجمه میکنم، چنین مینویسد: «وینستن چرچیل دریکی ازبیانات خود گفته است: (تاریخ برایمن جالب ودلیذیرمینماید، لهنابیه نوشتن آن مبادرت میورزم). وقتی من این کتاب رامینویسم، به این باورم که تاریخ پشتیبان من درهرفصل ودرهرصفحهٔ می باشد که مربوط رویدادهای افغانستان بشمارمیا یبد وبادآوری وقایع ورتسناک و تکاندهندهٔ میباشد که سیاست ودین وتروریسم رادربر میگبرد. البته فکر میکنم که شاید باعث نارامی بعضی ازهموطنانم شوم، ولی من وقایع را همانطورکه صورت گرفته اند، احیانوموده ونوشته هایم روی عقل وحقیایت استوار است، همه متکی به مناظره وتحلیل رویدادهاومعلومات وگواهی شخصیههای معتبرمیباشد. البته هیچگونه تمایل وعرض شخصی درآن دخیل نبوده وبه طرقداری رویدادهای ضدوقتیض اقدام نکرده ام.

زندگی وتجارب من درافغانستان بپیث یک مسلمان روشنبین به من زمینه را مساعدساخت تابه شناخت کر کنر، موقعیت وفرهنگ یک اجتماع کثیرالاقوام آشنا شوم. همچنان مدت حدودچهاردهه تحصیلات عالی وتدریس وپژوهش در موسسات اکادمیک طبابت درامریکا و تحقیقات گسترده دربارهٔ سیاست ودین و تروریسم، زمینه رابرارایم مهیا ساخت تااین کتاب راطور یک اثرجامع به مردم ارایه بدهم. موضوع وهدف این کتاب دوگانه میباشد: نخست تاریخ واهمیت افغانستان در رویارویی باتروریسم وآشوب کنونی جهانی، افغانستان یک خطهٔ مغلق و مشکل میباشد که بسیارسطحی شناخته شده است. ثانیا به اساس روایات وجشمدید هاوتجزیه وتحلیل درمحتویات هشت فصل کتاب کوشیده ام تامبداء ومنشاء شبکهٔ تروریسم معاصرا برملااسازم و رابطه بین سیاست ودین وتروریسم را توضیح دهم وفاجعه قابل جلوگیری بودن را که باعث خونریزی هاوفلاکت وتیره روزی بسی کشورهاشده ، موردبحث قراردهم. این کتاب تاریخی موضوعات مهم رادربرمیگیرد که عبارتست ازمنشاء ظهورطالبان، روندتاریخی افغانستان، حملهٔ استیلای روسیهٔ شوروی، جنگ داخلی، فاجعهٔ ۱۱ سپتمبر ومذاهب.

درترسیم وگزارش آغازین، مولف فصل اول کتاب رایه رویکارآمدن کشتارهای فاجعه بار توسط طالبان والقاعده درشمال افغانستان درشهر مزارشریف اختصاص داده است… شهرمزار ولایت باستانی بلخ که به حیث سرزمین آریایها و مادرشهرها شناخته شده، درواقعیت گهوارهٔ تمدن (ترانس اوکسیانا) میباشد که در آن اناهیتا و زردشت، پیشوای دین زردشت موردعبادت ساکنین آنوقت قرارداشت. مزاریادآور اسکندرکبیر، فرهنگ گریکوباکتریا وشاعران وفیلسوفانی مانند رومی بلخی، ابن سینا وبسی علموادانشمندان واندیشمندان دیگرمیباشد. ابوعلی سینا یک طیب ویک فیلسوف مشهوروگسترش دهندهٔ جهان بینی وسیع وآموزش ودانش اسلام، به شمارمی آید. / (دنباله دارد)

وعزیزان، هیچانم رادوجند ساخت، یادم ازجندمصرع یک قطعه شهرخطاب به وطن آمد که سالهاقبل درجمع ترانه خوانهای مکتب استقلال درمحافل خاص یادمراسم افتتاح مسابقات ورزشی قهرمانی مکاتب کابل، درحالیکه ریسان مکاتب استقلال ونجات وتمدنآباد معلمین وشاگردان حاضر می بودند واراکین وزارت معارف نیزدعوت میشدند، باشعف وسرور واحساس خدمت به میهن عزیز وافتخار آزادی وسرفرازی آن چنین می سرودیم :

پروفیسرداکتر عبدالواسع لطیفی

الکسندر به – ورجینیا

صفحاتی از یک زندگی پرنشیب وفراز

ارمغان نخستین مسافرت تم : درخیشهای گذشته نوشتم که در آخرین سال تحصیلی فاکولتهٔ طب کابل وامتحانات نهایی درجمع ده نفرمحصلین افغانی بنابردعوت رسمی کشورایران، بسوی تهران مسافرت کردم و بعدازمشاهدات مراکزعلمی و دانشگاه تهران وسازمانهای بهداشتی وفرهنگی، سری هم به کتابخانه هاو کتابفروشیهای تهران زدم، که در آن پراز کتب ارزشمند درشته های مختلفهٔ علمی، ادبی واجتماعی وغنی از جراید ومجلات گوناگون بود که درسراسرایران بچاپ میرسید. بنده با بعضی انزشرات مذکور که پدر مرحومم عبدالباقی لطیفی ازییاست مطبوعات وقت برای مطالعه باخودمی آورد وبه دسترسم میگذاشت، قبلا آشنابودم، مانندمجلهٔ (اطلاعات، ترقی، مردامروز وخواندنیا)، مشاهدهٔ آنهمه کتب ومجلات و آثار گرانهای نویسنده گان وشعرای مملکت همزان وهمکیش در کتابخانهٔ عمومی تهران مراطوری به وجد آورد که چندپولی را که ازجیب خرج روزمرهٔ مسافرت دردست داشتم صرف خرید یکی دوجلد کتاب دلخواهم کردم، ضمنا درخیابان لاله زار داخل یک کتابفروشی مجلل مخصوص نشرات و مطبوعات فرانسه شدم که غرفه هاوطاقچه های آن انباشته از آثارنویسندگان شهیر کلاسیک و رومانتیک فرانسه بود، بهترین ومعروفترین کتانی نظرم راجلب کرد و باآخرین پولهایم آنرا خریدم، اثر فناناپذیر ویکتور هوگو، رومان تاریخی بینوایان Les Misérables.بود که تازه ترین چاپ فرانسوی آن بامقدمهٔ نویسندهٔ شهیرفرانسه آندره مورا، به آن کتاب فروشی مواصلت کرده بود. راستی چندماه پیش ازین سفرنیزمشاق بدست آوردن این کتاب بزبان اصلی نویسندهٔ آن بودم وانگیزهٔ آن هم تماشای درام (شعندهای قره) بود که استادعبدالرشید لطیفی قسمتی از فصل (ژان ولژان) این رومان معروف جهان را ادایت وترجمه کرده ودرصحنهٔ تمثیل کابل بروی ستیژ آورده بود. تا جاییکه بیادم است، درین درام پر انتباه که مرحوم عبدالرشیدجلیا درنقش ژان ولژان ومرحوم عبدالرحمن ییسا در نقش اسقف یایرمیر مدھی نقشهای ممتاز راداشتند، استادلطیفی که در یک بخش زند گینامهٔ اونیزتذکر داده ام، خواسته بود (همانطوریکه دراکترفصول کتاب بینوایان هویداست) نقش محبت وهمدردی وشناخت علت بدبختی وانحراف یک انسان، وغمگساری و ارایه رهنمایی ونصایح سودمنددر بیدار کردن وجدان وکرامت انسانی یک فردآزوده ودردمندوشفی جامعه برملا سازد، و اصلاح گراهد شادگان ونجات تیره روزان رانست بهروسیلهٔ دیگر، مفیدتروموموترتر تبارزدهد وذهنیت وشعایر تماشاجی رایه آن جلب کند. خوب بیاددارم وقتی اولین نمایش مقدماتی وامتحانی درام شعندهای قره که بنده نیزبه اجازهٔ عم فقیدم دریک گوشهٔ سالون تیاترجاداشتم، پایان یافت، استادلطیفی برای تمام هنرمندان درام وهییت نمایندگان مطبوعات که جهت بررسی متن درام حضوربهم رسانده بودند، خطابهٔ مختصر وپرمحتوایی رادرمعرفی وتوضیح مطلب اساسی وروح درام ایراندنموده گفت تمثیل موفقاتهٔ این درام که فرداشب برای تماشاجان کابل افتتاح خواهشد، حالی میسازد وگوشزدمیمکند که ماهریک درحدتوان وصلاحیت وموقف اجتماعی وخاتوادگی خود بایدنگذاریم انسانهایخاطری توجهی وکم مهری باخشونت ومحرومیت وبیعدالتی ومشقات اجباری اجتماع، به ترمد و گمراهی بروند وبه سرنوشت یک مردشقی و بد کردار یاتیره روزی چون ژان ولژان، سردچارشوند. درراه اصلاح و بیداری وجدان واحیای کرامت انسانی چنین اشخاص نبایدفورا بااعمال زور وجبروضربهٔ شلاق وقیچین وخشونت ودشنام وامتال آن اقدام کنیم، بلکه مانندان مردفرزانه وروشن ضمیروماروت مذهبی که بایک برخوردورگت مدبرانه وپرمحبت و گفتمان ونصیحت نافذخود، دزد وغنصرمتنمدد و گمراهی رایه ضمیروشعایر وعمق معنویات بشری واجتماعی اش متوجه ساخت واز کرده های بدشیمان وبراه صوابش آورد. مایابدمیشبه سعی نماییم تاباروحیات ونهادانسانی چنین افراد تماس بگیریم، علت ترمد وبنیوایی معنوی آنها را درک کنیم وبه جراحات قلبی وروانی شان مرهم شفایگذاریم. چنین است که میتوانیم درلهٔ پرنگهای گوناگون زندگی ازسرنوگونی یک انسان جلوگیریم.

بهرحال، باشوق وانگیزهٔ تماشای همین درام بود که کتاب ورومان بی نظیر بینوایان ویکتورهوگو رایس از آنکه ترجمهٔ فارسی آنرابانوشتهٔحسین قلی مستعان خوانده بودم، بزبان اصیلفرانسوی نیزبادقت خاص مطالعه کردم ومقدمهٔ پرمحتوای آنرا که قدومعرفی این اثرجاودانی بقلم آندره مورا بود، به دری ترجمه کردم به نشر سپردم. همچنان چندین فلم سینمایی را که به زبانهای فرانسوی، انگلیسی وآلمانی از متن این کتاب ماندگار ادبیات جهان تهیه شده است مشاهده کردم.

ارمغان دیگرکه ازین نخستین سفرم به خارج وطن، باخودآوردم، طرح داستان واقعی بود که روی یک چشمدیدم درساحل بحیرهٔ خزر، در شهر ساحلی رامسر که در کنارخزر، زیرعنوان(ماهیکبر بینو ووزوق شکسته) نوشتم: درروزهای اخیربود واش ماد(اردوی بین المللی محصلین در رامسر) باماهیگری بی بضاعتی روبرو و آشناشدیم که ازمشقات زندگی شکایت بسیارداشت وآخرین ضربهٔ تلخ روزگار صدمهٔ بود که بردنهٔ قایق محقرماهیکبری اش، که من شخصاآزنادیدم، واردآمده بودودوظوفان یکشب تاریک و پرحادثهٔ وسیلی امواج سرکش، قسمتی ازبدنهٔ آنرا تخریب کرده بود. من داستان واقعی این ماهیکبری بینواریابواقیعت به تاسی از گزارشات غم انگیز زندگی او پنج سرعالبه اش، مشکلات ومحرومیت هایش در ماهیکبری ومجالاتلاش بامشقات گوناگون زندگی نوشتم. صفت وخصلت برازندهٔ این مرد پرکار این بود که هیچگاه درین مجادله وتلاش پیگیرش دربرابریچ مشکل وحادثهٔ سر تسلیم نهاده بود وهیچگاه نمی گذاشت خانواده اش درفقر وفلاکت منهدم شود و کود کانش از تحصیل باز بمانند …

درهمینجا یادم ازآنمعرفون نویسندهٔ شهیرامریکا، ارنست همینگوی آمد که زیر عنوان(مرد کهن وپهنای دریا) به نشر رسید وفلمی هم از آن تهیه شد. همینگوی درین اثروسایر کتابهایش قهرمانانی رازگوشه و کنار اجتماع معرفی کرد که درحیات فزبکی ومعنوی ومقاومتهاونیات ارادهٔ زندگی خود شکست ناپذیربودند و تاسرحدمرگ دربرابر حوادث و مشقات پنجه نرم کرده اند. ناقدو مبصرمجلهٔ لاست جنریشن، درنودمین سالگرد تولد ارنست همینگوی، جهت معرفی قهرمانان داستانهایش چنین نوشت:«مردان بزرگ ومیبارز وقوی اراده رامیتوان باضریات ازهم یابید، اماهرگز نمیتوان سر آنها را به بردگی وتسلیم فرود آورد!»

سومین ارمغان مطبوعاتی این سفرم کتاب(نامه های نیما) اثرنویسنده و شاعر فرزانه وشیرین سخن ایران بود. بنده قبل ازین سفر با آثارنیما پوشیح خاصتا اشعار سبک جدیدیا(شعرون) او آشنابودم وخیاطری به او علاقمندبودم که درنوشته هاو داستانهای خود اولترازهم همراهز وغمگسار طبقهٔ پایین اجتماع وتیره روزان و ازپافتادگان بود وطوریکه نویسندهٔ معاصر رضارحیمی درنقد نامه های نیما نوشته است:«گاهی دریک نامه وبادرخلال یک خامه اش، نیما آتقدر دقیق وعلمی و پرمعنی حرف میزند که خوانندهٔ آن خودرا نه تنهابیک نامه بلکه بایک مقالهٔ علمی وفلسفی یادی وهنری روبرو مبیند.»

بهرحال صفحاتی ازین کتاب نامه های نیما رادرطیارهٔ (ایران ایر) درآخرین ساعات عودت ازتهران به کابل مطالعه کرده وبه بخش (نامه های نیمابه همسرش) رسیده بودم که پیلوت اعلان نمود اینک در داخل فضای افغانستان هستیم وبه کابل نزدیک میشوم. درهمین لحظه با تپش وهیجان خاصی از کلین طیاره به پایین نگاه کردم، اولترازهمه کوههای سرفلک کشیدهٔ وطن عزیز که بعضا قلیل آنها بارفهای کهن پوشیده بودجلب نظر کرد، وقتی طیاره درفضای کابل داخل شد، پروازش آهسته تروبیاتر شد، قریه هاودهاات اطراف شهروباغها و مزارع

عبدالکریم نواب

هامبورگ – آلمان

نظرخواهی

جناب کوشان رحمت وعنايت حق تآرتان باد،درنامهٔ تان مرابه دعایاد کرده اید، خیردوعالم نصیب تان باشد. میدانم که دعای مؤمن درحق مؤمن (امیدوارم که درزمرهٔ مؤمنان بیایم) کار سازاست ومقبول درگاه خالق بی نیاز.

عرض مرام خودرا فشرده بیشکش میکنم امیداست که وقت گرانهای شمارا نگیرم. پارسال درسفرانگلستان یکی ازدوستان کلیهٔ آثارحضرت بیدل را که درسه جلد درایران به طبع رسیده است به من هدیه داد، من بلادرنگ ویی تامل آنرا بادل وجان پذیرفتم، چراکه آرزوی مطالعهٔ آثار میریزا را(بخصوص، نشر اورا وقصایدش را) ازدیرزمانی در دل داشتم، وقتی به آلمان آمدم ازغزلهای حضرت بیدل آغاز کردم که از دیرگاه انس والفت تمام به آنهاداشتم، متوجه شدم که چاپ ایران غزل هائیزمانندچاپ افغانستان پرازاغلاط است، این اغلاط یادراثربی احتیاطی چاپخانه است بامصححان این آثار دقت قابل ملاحظهٔ درآنها نداشته اند. بهرحال کسانیکه درتصحیح این اثرزحمت بسیار کشیده اند، نوشته اند که تمام آثارخطی وجایی بیدل رادرهندوستان وافغانستان وبخارا مطالعه کرده وبه تحصی ومقابلهٔ نظم ونثرو را بهمهده گرفته اند، ائصاف را که رنج بسیاربرخود هموار کرده اند که درخورستایش وتمجید است، بخصوص دراصلاح املاء واتشای این اثرادنی، به صورتی که امروز در متون چاپ شده می بینم.

به نظرم شناخت شعریدل بوژه غزلهایش وشبوه وسبک او ومکتب اودر سخنسرایی که داستانی درازدارد، ذوق وحال دیگرمیخواهد که پروردهٔ آن مکتب باشد. یازبه باورمن، مکتب بیدل، جدا ازمکتب هند است، هبان مکتبی که ایرانهابنام مکتب هندی یاسبک هندی میخوانند که بنده دراینجانی خواهم به همه جواب آن نظر افکنم. اگر کس ندانده که در تمام آثاربیدل ترکیبی بنام (محفل عبرت) وجود نداردویابد(محفل عبرت) باشد، رفته رفته به جایی میرسند که دیگر گفتهٔ بیدل وارونه میشود وفهم سخنش نارسا وناپیدا .

درموردنشر آثار بیدل درافغانستان چه عرض کنم، یادم است که یکبار درهفته نامهٔ وزین امید چیزی انتقادگونه نوشته بودم وبکی ازهموطنان نادانسته شروع به توصیف وتمجیدمرحوم خسته کرده تاجاییکه اورا علامهٔ زمان معرفی کرد. بهرحال اگرخواهم فهرستی ازاغلاط املائی واتشائی این آثارا که مرحوم خسته عهده دارچاپ آن بوده است برشمرم وجمع کنم، بی مبالغه به چندهزاراشتباه میرسد. معلوم است که اگر یک متن بادقت واحتیاط کامل چاپ نشود، اولتر ازهمه خواننده در لابلای اینهمه بی نظمی ها سرگردان ونالان می ماند.

ازقصا ازعهدهجوانی به شعریدل بخصوص غزلش درمحیط کابل انس والفت گرفتم ونیچاه سال است که غزلهای ناب او وردزبان من است. باتاسف وتاثر فراوان درآزمان کسی رانیافتم که مرادخوانند ودانستن اشعار اوکمک ومعافوت کند، دیدار کسانی مثل حضرت یتاب وحضرت استاد ابراهیم صفادرآن فرصت میسرنبودومنهم جوانی بی اعتنابودم ودماغ پر شرورشور داشتم. دیگران هر که بودند، کمیت فضل شان درفهم سخن بیدل لنگ میمانند. کسانی هم که لاف وگراف بسیارمیزدند، وباغرورخاص ازقول بیدل یادمیکردند، در گنه گفته او نمیرسیدند، وبه همان دادوفریاد بی اترافع بودند(به غوغا میفرودشد هررا آبی ست درشیرش)، و حاصل اینهمه کشمکشها امروز چیزی نیست بجز چندرسالهٔ فرسوده وبرطوطراق که بیشتر به سوانح زندگی بیدل اختصاص دارد، نه درشبوهٔ گفتاروسبک وروش او وطرزدیدش درمورد هستی وحیات وپدیده های آن بپیث یک عارف داشتمند و فردشاخص عرفان اسلامی و… و… همه وهمه ناگفته مانده است : نغمه ها بسیاربود اما زجهل مستمع – هرقدرب بی پرده شد در پرده های ساز ماند – یا:از بسامعنی که از نامحرمی های زبان –باهمه شرخی مقیم پرده های راز ماند.

ازهمه مهمتر، پیش ازآنکه به خواندن آثاربیدل پرداخت، بایدیک دوره عرفان اسلامی واصطلاحات خاص آنرامطالعه کردوشعربیش ازعصر اورا. اوخودشعر حافظ ومولانا وسنایی وعطار ودیگران راهمه خوانده بود ودرذهن داشت ومیدانست که به شیوهٔ آنهاسخن گفتن وشعر سرودن چیزی جزتقلید محض نیست و کسی راهم یاری تقلید ازآنان نه، چراکه بزرگانی چون مولاناوحافظ وسنایی وعطار وفردوسی وناصرخسرو، درقلمرو زبان فارسی، ختم سخن والا و گفتاربس زیباشهند و جاودانه برتازک ادب فارسی میدرخشند. اینجاست که بیدل بازیگری وهوشیاری بسیار راه خودرا ازهمه جدا کرد که : (توبه کس وکس به تو مانند نه) مصداق شیوهٔ او است.

بالین مقدمهٔ درهم وبرهم که حکایت ازحال نویسندهٔ پریشان حالش است، خدمت شماعرض کنم که به فرمودهٔ حضرت قرآن، با بضاعت مزجاه ومحتاج اندک از دانش بسیارمعارف اسلامی نخت ازهمه ازغزلهای حضرت بیدل آغاز کردم تاآنها راقباله وتصحیح کنم، شایدتوانم روح بزرگوار آن مرد دانشمند و عارف کامل رااندکی ازاین ناآرامی هایبیرون آرم، چه وقتی میگوید (نامه) ما میخوانیم (تاله)، وقتی میفرماید (بی ساز) مامیخوانیم (بسیار) وازین دست اغلاط که اگر بیدل زنده شود شاید بگوید که این هرزه درایها گفتهٔ من نیست، شاید از کسی دیگر باشد! بهرحال مادست به چنین کاری خطیر زدم وبگفتهٔ آن شهید راه حق که به تنهایی دربرابرحجوم لشکرمغولان وحشی صحرای کوی ایستاد ورمیدان راز برخوردباآن گروه خونخور منع کرد، باخود زمزمه میکرد:

در بحر محیط غوطه خواهم خوردن یاغرفه شوم باگهری آوردن کار تو مخاطره ست خواهم کردن یاسرخ کنم روی تو زتوبا گردن اکنون پس از یکسال وجندماه کارمقابله وتصحیح غزلها به پایان رسیده ومحتاج چاپ وراهنمایی های بخردانهٔ کسانی مثل شمااست. شمامی توانیدبایک عمر تجربهٔ تان در کارمطبوعات ومشورت بدبیده یاری ومددکاری کنید، من که ازامل و متاع دنیا جز باد در جنگ ندارم، با عدهٔ ازجوانان دردمند به مشوره نتسمت، آنهاوعده دادند که مرا درچاپ کتاب کمک کنند. حال نمیدانم که چکار کنم، به کجامراجعه کنم که مصرف مناسب باشد وما راضی از کارچاپ کتاب باشم. افغانستان، ایران و یا اروپا وامریکا. فکر میکنم هرچا که باشد باید بنده نیزحاضر و ناظر باشم.

بیش ازین دردسرمنی دهم وشما رایه خداوندمتعالم می سپارم. اداره: نیت نیک وپشتکارجناب استاد نواب، مستلزم یاری ومددگاری دوستلزان فرهنگ گرامی ماست، هرآن بزرگواری که مایل به سهم گیری درامر خیرچاپ کلیات حضرت بیدل باشند، بالادارهٔ امید تماس بگیرند تا نشانی پوستی استادنواب را دریابند. /

محمداسحاق ثنا واکتور – کانادا

درد

امشب بتاب شام مرا آفتاب کن

جان میروزد دست کمی هم شتاب کن

ابری شده ست خانهٔ دل باپناهه ای

سوم یام ویدلهٔ من پر زآب کن دل دردرون سینه به حسرت غنوده است

ای عشق بتاب برمن با دل خطاب کن ای درد ازجفای فلک آدمم به جان

جایی مرو یا مراما انتخاب کن

هرجاست خصم کشوردرخون پییده ام

یارب به آه وحسرت ورنج وعذاب کن

گرتنشود(دنا) سخن عشق بیش ازین

انجنیر عبدالصبور فروزان
تولويون ژونډن
مظهر تعصب زباني وقومگرايي درافغانستان
(به ادامهٔ گذشته)
رهبران مذهبي که بعضاً بدون درک پلان انگليسيها شامل اين پلانها بودند، با گذشت هرروز آتش يی امنيتي واغتشاش راشعله ورترميساختند انگليسيها بيشتر پشتونهای قبايل جنوبي رابه چپاول هستيهای دولتی و آتش زدن به تاسيسات حکومت ودخايراسلحه تشويق ميکردند تا منطقه واقعاچهرۀ یک منطقهٔ اغتشاش زده وبغاوت زده رايجودبگيرد، دکاتهاو بازارهادر گرفته بود،ولی پول درهمه جافراوان وموادغذائی وضروريات به مردم رايگان داده ميشد! مصارف اسلحه ازطرف دولت هنربرتاوی ميامدوبراي اندازهٔ آن حدى تعيين نشده بود.

شورشهای درشمالی هم آغازشداما اوضاع درشمالی به آن سرحدی نرسيده بود که مانددجنوبي از کنترول دولت خارج شود. هنوزسردار احمدعلی خان مامای امان الله خان درشمال نايب الحکومه بودو حبيب الله خان کوهدامنی وعدهٔ همکاري بادولت امانی راداده وفواى اوجزو قوۀ دولت امانی شده بود. درواقع اين پشتونهای جنوبي بودند که با انگليسيها همدست شده زمينۀ اقتراض دولت امانی رافراهم ساختند. امان الله خان در گفتارخودبه دولتمندان گفته بود که من از مردم شمالی نمی ترسم چون انگليسيها برآنها دسترسي نداردو مردم شمالی غلام انگليسيها نمی شوندولی از مردم جنوبي ميترمس چون انگليسيبالايی ايشان دسترس دارند و ايشان به آسانی به پول انگليسيها تسليم ميشوند. حبيب الله خان کوهدامنی که در مردی وجوانمردی ودليری و صداقت، درايماندارى و نامو سدارى، در تواضع و سخاوت، در وطن دوستي ومردم نوازی به مراتب از امان الله خان بالاتر وولاتر بود، تاآنکه از توطيه خباثتۀ شاه دربرابرش آگاه نشده بود، بادولت امانی متعهد و وفاداربود ودر خدمت دولت قرار داشت .

دراينجا ازمثال وطن دوستي ايندو يادآور ميشوم، زمانیکه نادرزدشاه حبيب الله

کوهدامنی نفرفرستاد که اگر ازوطن خارج شوی کمک پولی ميکمم وزمينه رامساعدميمسازم. شاه حبيب الله در جواب نادر گفت من از وطن خودخارج نميشوم ونمی خواهم درملک کفر مرده ام مسافرشود، اماشاه امان الله خان به دلخواه خودطن را رها کردورهيارديارغير شد.

اماطر زديدهايی وجوددارد که شاه حبيب الله کوهدامنی رامتهم به سقوط دولت امانی مينمايند. اکثريت نه بلکه همه اين نوع طرز تفکرات عارى از حقيقت بوده ومغرضانه وساختۀ انديشۀ آنهایی اند که دولتمدارى رانتها حق پشتونهاميدانندواز بقدرت رسيدن تاجيکها، اوزبکهاوزاره هايا هر مليت ديگر کشور نه تنهاهراس دارندبلکه درراه عملی نشدن آن ازهر آنچه که دراختياردارند استفاده مينمايند، حتى ازخشونت، چون شاه حبيب الله ازميان تاجيککهای کشوربرخاسته بود، حکمرانان پشتون و قبيله پرستان شان به اوهرلقب بدی که موجود بود داده اندوبه هر ناسزاىی که بلدوبدند اورا متهم ساخته اند، درحاليکه همهٔ آنها نه شايستۀ اين عيار خراسان است ونه دروجوش ديده می شد.

در آن اوانیکه پشتونهای جنوبي مناطق جنوب وجنوبشرقی بشمول جلال آباد رابه کورۀ اغتشاش وانامنی، به مرکز فعاليت انگليسيهاى براى رانداختن دولت امانی تبديل کرده بودند، در کابل هم اوضاع آرام نبود، حضرات مجددى مردم رابر عليه شاه به اندازهٔ کافي تحريک کرده بودند، درمساجدبر عليه او تبليغ ميکردندوبه وضاحت ميگفتند که امان الله خان کافر شده است. شاه دربرابراغتشاشيون زانو زدواز آنچه گفته بود و آنچه که ميخواست صرف نظر کرد. بطورمثال از فرمان اينکه هيچکس حق ازدواج يادوزن ياچندنزن رانداورد وبنابر تقاضای سراج الخوائين عادرش که ازدچندنى شوهرش امير حبيب الله خان (قبولی ۱۳۰۰ز) آزردۀ شده بود صادر کرده بود، نه تنها آنرا منسوخ قرار دادبلکه خود نيز درپهلوی ملکه ثريا بدختر کاکايش ودختر شاه محمदولی خان دروازی ازدواج کردوبه یک مرده زنه مبدل شد! زمانیکه شورشهای پشتونهای جنوبي و تبليغات روحانيون بخصوص مجددها که با انگليسيهار تباط داشتند اورا يا با انداخته بود وعاجزش کرده بود وهم حبيب الله خان کوهدامنی ازطرح خاينانۀ او ومامايش به غيض آمده بود، شاه آخرين کارى که کرد جارچى های دولتى راوظيفه داد تابه چهارمست کابل جاربزند که شاه ميخواهد بامردم کابل ديدار نمايد، تعداد کثيری از مردم درباغ عمومى جمع شدند که ناگهان مو تر حامل امان الله خان نمايان شد، شاه از مو تر ياده شد و در بلندی ايستاده ومردم راخطاب کرد که اى مردم کى ميگويد که امان الله کافر شده، من مسلمان هستم لاله الا لله محمد الرسول الله، وسه بار کلمۀ طيبه راخوندوسه بار به مردم خطاب کرد که کى ميگويدمن کافر شده ام؟ جمعيت خاموش بود که ناگهان ازميان کسى برخاست وگفت من ميگويم که کافر شده اى بخاطر اينکه دختران و ناموس مراابه ملک کفرروان کرده ايد. شاه گفت من دختران شمارا روان نکرده ام خواهران خود را روان کرده امت تاداکترو نرس شوند وزنهاى تاترا ديگر داکتر هاى مردبنۀ هندی معاينه ومعالجه نکنند. بعدهامعلوم شد که اين شخص از خانوادهٔ مجددها بود. شاه وقتى حرف ميزد اشکهايش سرازير ميشد، دستمالی از جيبش کشيده واشکهای خود را پاک کردوبعدا نيز ديدار ترک وطن کردورهيارديار غير شد. (حکايۀ يکى از ريش سفيدان محترم کوچهٔ انراى کابل از زبان پدرش).

بايد يادآور شد که بعضى از حضرات مجددى که در طول تاريخ کشور از احترام واعزاز مذهبي درين مردم مابر خودار اند، هميشه بادستگاههای خارجى ودولتهای حاکم اتحادنموده در تحقّق پلان هايشان همدستى وهمکاري نموده واز احترام واعزاز مردم مابه نفع ايشان سواستفاده نموده اند. يکى از هموطنان ما که از ذکر نامش خوددارى کرد ازبان شخصى که از خانوادهٔ مجددى وهم دوست اوست ميگويد که امر بکابراى صفت الله مجددى پنج مليون دالر آوردند که دربرابر آن حضرت صاحب استخاره هابه نفع حامد کزى کرد، خوابهایبى بخاطر بقدرت رسدن اشرف غنى احمدزى ديد و حضور عساکر بيبگانۀ رادر کشور به شريعت برابر دانست. اين هموطن ميگويد که دوستم گفت مابه حضرت صاحب گفتيم که پول امر بکاپرا نکير که بدون آنهم نام موافميل ماباداست ولى حضرت صاحب کپ مارا گوش نکرد!

بايد يادآور شد که ماهيت قيامهای جنوبي از ماهيت قيامهای شمالی کاملا متفاوت بود، در قيامهای پشتونهای قبايل جنوبي انگليسيها دست مستقيم داشتندو ميدان بازی برادران ديره دونى بود، انگليسيهاى اين قبايل هم پول مبدادند وهم اسلحه وهدف اساسى شان از اين بردن شاه امان الله و سقوط دولتش بود. انگليسيها در آن نواحى طوری نقش بازی کردند تادر ميان پشتونهای اغتشاشی رهبرى واحدى نباشدوهر قبيله راجدا گانه يارى مينمودند، مثلاًشوار بهار، وز بربها، مو مندها، زدراتها، خو گيانهاوغيره هر یک بطور مستقلانه ولى روى یک هدف که سقوط دولت امانيه بود اغتشاش وويرانى ميکردند، هدف انگليسيها نيز پلان اين بود تا امان الله توسط پشتنهای قبايلی سقوط دهندو زمينه بيارى بقدرت رسيدن نادر و برادرانش که گماشتگان وپرورده های خودشان بودند مساعد سازند. اين مطلب را خود شاه هم درک کرده بود که شورشهای شمالی خطرناک براى دولتش نبود چون انگليسيها در آنجا دسترسى نداشتند و عسکرو لشکرى در آنجا رسال نکرد، ولى شورشهای پشتونهای جنوبي براى بقاى سلطنت خطرناک بود چون از طريق انگليسيها هبرى و تمويل ميشد، لذا عساکر ولشکريان فراوان براى سرکوب شورشان به جنوبي فرستادو حتى به پيلوهای روسى اجازه داد تا مواضع شورشيان قبايل پشتون را در جنوبي بيماردمان نمايند .

دراخير که شرايط درجنوبى خيلى خطرپرده بود، مامايش سردارعلى احمدخان را از چاربکارخواست وبه جلال آباد روان کرد که شورشيان پشتون راخاموش سازد، ولى سردار مذکور در جلال آباد به عوض اين که شورش ها را خاموش کند خود بشورشيان پيوست وخود را پادشاه اعلان کرد! وحق نمک

نيجورجى

تولويون ژونډن

مظهر تعصب زباني وقومگرايي درافغانستان

پروفيسر داکتر حيدر داوړ

به نام خداوند بخشاينده ومهربان

برادر معنوی ورفيق پابرجا لطيفی عزيز!

اين بار دليل تبادل نظر ومناظرۀ دوستانه دايم باخودت ناشی ازاستفسار هموطنان درد آشنا ودوستانی است که از اين عاجز مييرسند چرا درين اواخر سکوت وخاموشی اختيار نموده ام ودر رابطه به اوضاع ناهنجار سياسی واقتصادي قلم برنميذارم، کدام شعر تفریظی نميگويم ويا از طريق رسانه هانعرۀ اصلاح طلبانه ونعمۀ آزادمنشی رابه گوش مسوولين دولت خواب بردهٔ افغانستان نمی رسانم .

درين مختصرنامه ميخواهم به دوستان وطن پرور وهموطنان رزم آرا پاسخ بدهم که چون بنده از مبارزات خسته نا پذيری که درعرصۀ بيشتر از نيم قرن نموده ام، جز ياس وناميدی اسف انگيز ثمرۀ درراه بهودی اوضاع نافر جام وطن ورفايت حياتی ملت استمار زدهٔ ماتر داشته ام و يقين حاصل کرده ام که اراکين خودستای دولت وهمنوايان زورمند تنظيمها گوش شنوا، ارادۀ اصلاحات بنيادی مملکت و سودای غمخورشی مستمندان برسروشت وگرسنة راندارند، سکوت و کناره جویی رابر نوشته های بی اثرم و فرياد ووايای بييهوده ام ترجيح دادم تارقمی از عمرم را که باقي مانده، درراه اعادۀ صحتم و وارسى فاميلم اختصاص بدهم. اين نکته رابايد علاوه نمايم که منظور بنده اين نيست که درراه تنوير، ترغيث، تحريک ومجادلۀ ملت در برابر ظلم واستبداد رژيمهای پوشالی نيز خاموشی و فرو گذاشت اختيار نمايم . نا گفته نبايد گذشت که بنابر معرفت قبلی که به آقای غنى و داکتر عبدالله داشتيم، به وسيلۀ نامه های دوستانه ومکاتيب سر گشاده نظريات وپيشنهادهای بخصوص به ارتباط اهميت کليدی وحياتي یک سيستم اقتصادى متکی بر شرايط توليدی، قدرت تخنيکی وجغرافيايی افغانستان ارايه نموده ام، به دولت محترمانه گوش زد کرده بودم که رشد توليدات ملی، اصلاح سيستم مالياتی، پولی ومديريت در پهلوی ديگر معضلات دارای قدامت واهميت حياتی افغانستان ميباشد، درين باره اهمال وفرو گذاشت جبران نا پذير ميباشد. مامتاسفانه در حال حاضر دارای یک سيستم اقتصاددانکشاف پذيرومتکی به شرايط خاص افغانستان نيسيتم، نه بازار آزاد و نه از سيستم یک نوع اقتصاد ارشادی ورهنمايی شده ميتوانيم صحبتکنيم، زيرا فعلا در کشور تخریب شدۀ ماهر ج ومرج اقتصاد فردی، فعاليتهاي مفتعجوبانۀ سرمايه داران خود مختار و تجار وار دکنندۀ اجناس مصرفی وتجملی توام با اهداف سلطه جويانۀ اقتصادی، سياسی وکلثوری کشور های همجوار حکمفر ماميباشد. از همين جهت به نظر عاجزانۀ بنده اهمال وفرو گذاشت بيشتر دولت در راه تاسيس یک سيستم اقتصادى انکشاف پذير براى افغانستان محاط به خشکۀ دارای خطر حياتی وجبران نا پذير ميباشد .

رفيق همراه وهمسنگر دوران محصلی واسع جان لطيفی! بنابر نياز مندی مفرط که به رهنمايی هموطن صاحب نظر ووطن پرور دارم، از خودت نيز ميخواهم استفسار نمايم که هرگاه دوستان گرناميه معاذير و دلايل کناره جویی مرا نپذيرند، به اين ارادتمندچۀ مشوره ميدهی که با پيروی از آن قناعت هموطنان رابدست آورم، باحرمت فراوان، احترامات وارادت خالصانه ام رابه دوست گراقتدر آقای قوی کوشان تقديم بنما. از اينکه شعر مشربان سخشناس تقاضای شعری ازمن نموده اند، اينک یک پارچۀ اشعارى رابه ايشان اهدا می نمايم که درج ديوانم نمی باشد:

ازوطن آواره ام بی آستان
گر به می آيد مرا ای دوستان
دعزای ملت افغانستان
اشک خون از ديدۀ ام جاری شود
از غم آن کودک بی آب و نان
نی خون دارد نه فرش زیر پا
يپرمد مستمند و ناتوان
بالب نانی قناعت می کند
طلک بی مادم و ناخمان
بهرمن گرباس زیبای وطن
بهرت از ابريشم و از پربيان
از نظر افتيده ام من درجهان
از وطن آوارهٔ بی آستان
نشنود فرياد و واويای من
دولت عصيانگر و رشوت ستان
تومده فرزند برای وطن
از گفت نقدجوانی رايگان
غيرت افغانی ات ابراز کن
ای مسلمانزاده فرزند جوان
بر ملا کن شيوۀ رزم آوری
در دفاع از ميهن افغانيان
وارهان زين دجله براضطراب
کشتی طوفانی بی کشتی بان
سرنگون بنما رژيم سفله جو
دودمان خاين و عصيانگران
ای وطن ای کعبۀ عشق آفرين
سر نهيم در خاک پاکت يا که جان
اين غزل گويم برای دوستان
تا بماند بعد مرگم ارغمان
کس ندارم داوری مانند تو
ای خداوند زمين و آسمان
در حق اين ملت بی سرونشت
داوری کن داور کون ومکان

ماقايماهای که درشمالی اوج گرفته بود همه خودجوش بودند که بنا به تحريک احساسات مذهبي مردم ايجادشده بود نه برای سقوط دادن دولت شاه امان الله خان. زيرادر آن قيامها انگليسيها دست نداشتندو اشخاص وافراديکه در قيامها دست داشتند اکثرا ز مجاهدينی بودند که در برابر انگليسيها جنگيده بودندواز فداييان مکرعۀ استقلال کشور بودندو انگليسيها به هيچوجه نمی خواستند که چنين مردمی امور سلطنت را بدست گيرند. ولی شکی نيست که انگليسيهاروحانيون گماشتۀ خود را برای تحريک احساسات مذهبی مردم در آنجا فرستاده بودند وبراى انگليسيها هيئتقدر کافي بود که مردم درشمالی هم درجوش وقيام باشند. انتخاب امير حبيب الله کوهدامنی درراس قيام کنندگان تنها از طريق مردم صورت گرفته بود. انگليسيها از شناختنی که از جامعهٔ ماداشتند ميپداستند که مردم شمالی راميتوان به آسانی تحريک ردولی اين مردم رابه هيچ قيمت نمیتوان غلام ساخت وخرد. چنانکه انگليسيها هيچگاهی با شاه حبيب الله کوهدامنی تماس نگرفته اند. بگانه کارى که کرده اندوقتاً فوقتا روحانيون گماشتۀ خود را طوری وظيفه داده اند که به ترتيب با شاه حبيب الله ملاقی گردند که شکل اتفاقی ونورمال داشته باشدو هدف تشويق و ترغيث او تحريک احساسات مذهبی او باشد. طوريکه روحانی در پکتيا در مسجدی اورا ملاقات ميکندوبه گرفتن سلطنت ترغيث می نمايدو چون مسلمان پاک بود به او ميگويد خداوند ترا به پادشاهی انتخاب کرده است، وانگليسيها می دانستند که حبيب الله از باعت تهديدو تعقيب شاه امان الله فرار کرده بود. با روحانی ديگرى در حوالی شمالی اورامی بيندو ترغيث وتشويق ميکنند که بروبه کابل حمله کن يابرو امان الله خان رابه قتل برسان که کافر شده، واين ساده دل خداجوی ميگويد من اينکار را نمی کنم زيرامن نمک امان الله را خورده ام وبه پاس آن به او خيانت نميکنم.

امير حبيب الله کوهدامنی هر گز با انگليسيها تماس نداشته و هيچ نوع کمکی از ايشان نگرفته است ودرعروج او انگليسيها هيچ نقشی نداشتند، عروجش خودی واز جانب مردم بود. اين مطلب توسط شادروانان مير غلام محمد غبار واستاد خليل الله خيلي تاييدشده وهردو قيام مردم شمالی را خودجوش وانتخاب امير حبيب الله خان رابحيت زعيم کشور از جانب مردم شمرده اندو حتى دانشمندان بيرون مرزی بخصوص محققين روسی همه به اين عقيده متفق الراى هستند. هر نوشتهٔ ديگرى در مورد شاه حبيب الله چه درون مرزی چه برون مرزی که ماسواى اين ميباشند غلط، نادرست وفرمايشی اند.

اتهامات اينکه حبيب الله وقتی دربرخوردی بعساکرامانی زخم برداشت توسط انگليسيها تداوی شده بود، یک گفتهٔ نادرست وعرض آلودودروغ محض اند که توسط دشمنان او ومردم افغانستان، يعنی برادران ديره دونی وهمجنسان شان ساخته وبافته شده است، چون حبيب الله خان از مردم تاجيک برخاسته بود

آلمان

مشتاق احمد کريم نوری

متصدی برنامۀ تلویزیونی دريچۀ سخن

سختانی در باب مطبوعات

سوم می روز بین المللی مطبوعات میباشد، که همه ساله از طرف ملل متحد موسسه فرهنگی و آموزشی یونسکو، ادارهٔ بین المللی مطبوعات کمیتهٔ حمایت از خبر نگاران، بنیاد روزنامه نگاران بدون سرحد، انجمن دا کتران بدون مرز، نهاد ژورنالیستان آزاد، شورای حمایت از آزادی قلم و کلام وسازمانهای حقوق بشرودر مجموع مراکز ومراجع ومجامع که در راستای خدمتگذاری وسایل ارتباط جمعی ودفاع از ارزشهای آزادی قلم و کلام وهکنادحمایت اصل ژورنالیسم و کارکنان رسانه های گروهی کاروفعالیت می نمایندبشمول نهادها واتحادیه های فرهنگی وهنری کشور عزیزمان افغانستان، ازین روز تجلیل مينمايندواز خدمات و اهل قلم و کلام به نيکویی قدردانی ياد آوريهای مينمايند، واز قدسيت قلم به مثابه معبری که جهت ترقی و تعالی انبای بشر کار مينمايندودر حراست از ارزشهاهمواره به مثابۀ دژ بولدين ايستادگی مينمايند وبراى قلمزنان و کلامگويان حقیقی وواقعی دعامينمايند واز خدمات تالشهاو کوششهای شان تقدیر و تمجيد مينمايند و آنابیکه درعين اجرای کار وظيفه مورد آزار واذيت قرار گرفته اند وموردخشونت قرار گرفته اند، وياچانهای شرين شانرا از دست داده اند، اداى حرمت می نمايند، واز آن رسانه های گروهيکه در حصۀ غاصبان زورمندان و اربابان قدرت وضاحت نموده اند، وظيفۀ شريف وحرۀ تحيف وحرۀ ظريف را به منتهای امانت و صداقت دنبال می نمايند، ومنجبت یک روز نامه نگارواقعی به زورنامه گى و روزی نامه نگارى نه گفته اند وقلم مزدی وقلم مزدوری راپيشه ننموده اندودر صف قربانيان درصف اول ايستاده اند، ولی در ردیف امتياز طلبان حتی در اخير لين هم قرار ندارند، هرچند آقای کرزی اکنون همواره سنگ زعامت آزادی مطبوعات رابه سينه ميکوبد، ولی اگر به وضوح مشاهده شود، سر نخ اين مبارزه ومجادله و ايستادگی ها به سالهای دوری می رسد، سالهای دوریکه هنوز آقای کرزی هنوز کودک بودومردانی کمر بستهٔ فرهنگ وهنر بودند که از فرط قلم زنی انگشتان دستهای شان کج شده بود، بعضی شان سرمقاله هارابرای جرايدرسمی وغيررسمی صبحها بر سر بستر خواب می نوشتند وچه زيبا ودلنشين باثر گوياو زيبا، وهکذا گویندگان توانای که با کلامهای پرنغز وبيرمغزشان صلاحيت و هييت قلمزنی و کلام گوئی راباز گو مينمودند، وبالاخره حاصل خون شهدان گلگون کفن که با مقاومتهاو ريختن خونهای پاک شان فضای آزادی موجودء مطوعات را رقم زدند، و از بند و زندان و کشتن و بستن هراس نداشتند و کوه صفت ومقاوم يا برجا ماندهند.

از بارگاه الهی استعدا مينمايم آنابیکه برای تحقّق آرمانهاوخواستههای ملت و مطبوعات آزاد کوشش وتلاش نمودندودر راستای عدالتخواهی و حق طلبی بی نهايت فعاليت وممارست داشتند، به آنان شان که حيات دارند خداوندتمتع اجر سلامتی وطول عمر نصيب نمايد، وبه کسانی شان که به رحمت حق رسيده اند بهشت برين را ارزانی فرمايد و روح شان همواره شادو يادشان هميشه گرامی باد! من بحيث یک روز نامه نگار ومطبوعاتی سابقۀ داروطن از بسياری شان دوائر مطبوعاتيان که کتاب قطور گردیده ياداورهای داشته ام، دردهه هايکه افغانستان عزيزمراحل دشوار ازحيات سياسی خود را سپری کرده بازهم از کشورهای همسايه و در مجموع در سطح منطقه از موقعيت خوبيتری برخوردار بوده، و اکنون هم بابه بله صعود با بسا کشورهای منطقه وبازمانده از پکت سابق وارسا کرده در موقعيت خوتر وبهتر قرار دارد، در ميان ۱۸۰ کشور ازبانی شده در راستای آزادی مطبوعات در ردیف ۶۹ قرار گرفته، درحاليکه کوربیای شمالی در ردیف ۱۷۹ و ايران در ردهٔ ۱۷۶، تاجکستان درجا يگاه۱۱۵ وپاکستان در ردیف ۱۰۷ قرار دارد، ولی باوجود باسيشروهای ناشی از کار وپیکاردرازمدت و دادن قربانيهای متنام و بيکبری مبارزه های دوامدار و پا يگناری مطبوعاتيان واقعی در نقش قدمهای بزرگان و گذشگان، باوجودتغييرات ژرف وشکرف در سطح تکنالوژی وفناوری، هنوز هم در مجموع وضعت کلی در حصه اهميت وامنيّت خبرنگاران و گزارشگران چندان تغيير رونما نشده درفضای ايجادشده کنونی بيشتر بنه اسيب پذيری متوجه اهل قلم و کلام است، چه از نگاه مالي وجانی وچه هم از نگاه بيکاری ویی روزگاری، در یک موقعيت نامطمئن قرار گرفته اند، درسيل مهاجران امسال که نامه نگاری زبادی نيز شامل بوده چندين خادم رسانه های گروهی يا خودشان يا عضوی از اعضای از خانواده شان در آبهاغرف شده اند، که فقدان هر کدام شان جبيره وجبران نخواهدشد، غاصبان و زورمندان در يافته اند که بگانه مرجع ومنبع که جلوا ميآيزخواهی اضافه ستانی شان را ميگيرد همانا مطبوعات آزاد و هدمنداست، که به مثابه قوهٔ چهارم بالای قواى ثلاثه حاضر و ناظر هستند، لذا در روند کار روزنامه نگارى همواره کوشيده اند تا مانع رشد وبالندگی مطبوعات مثبت فروزنده و ارزنده گردندسال ۱۳۹۴ ش خونين ترين سال برای خبر نگاران وطن ثبت شده ديد ديده بانی رسانه ها همواره در موسسه نی حمايت کننده رسانه های آزاد افغانستان باتاثير کار سالانۀ خود در موردميزان ميزان خشونتاعليه خبرنگاران ابراز اندیشه وتشويش نموده و ابراز اميد واری نموده که خونين ترين سال برای خبرنگاران ديگر تکرار نگردد، در گزارشبیکه در آستانۀ روزجهانی مطبوعات نشر گردیده، ۱۱۶ مورد تخطی وتخلف ونقض عليهٔ خبرنگاران واهل کار در مطبوعات تذکر شده که ۱۲ مورد قتل نيز شامل اين جدول درج می باشد، يابور می افزايد که ۲۳ خبرنگار در جبران سا ليکه گذشت زخمی و دو خبرنگار توسط طالبان به گروگان گرفته شده اند، ویک خبرنگار نيز توسط گروهٔ مذکور موقتاً بازداشت شده وهمچنان ۱۵ مورد ديگرت وکوب ويا سوء قصد قرار گرفته اند، و ۶۳ مورد ديگر خشونتاعليه خبرنگاران شامل اهانت وتهديد ميشود، ديده بان رسانه های آزاد در افغانستان ميگويد که يما بهروزخبرنگار آزاد در ولايت بدخشان تخسين قربانی سال گذشته است که در نتيجه انفجار موشک در نزديک دروازه منزله به قتل رسيد، هکذا ذبيح الله پشتونيار در مين کارمند رسانه یی بود که در نتيجه حملهٔ قوهای ناتو بالای شفاخانه داکتران بدون مرز در ولايت قندز از بين رفت، که در نتيجهٔ آن حمله به دههاتن کشته وزخمی شدند، بيمارستان مذکور پس از سقوط قندز بدست طالبان مورد حمله هوایی قرار گرفت. حمله برجان احمد سعيدی نويسنده وتحليلگر کشور وگم شدن ويديوها توسط کامره های نصب شده چهارهي شهرنو وهکذا تهديدات مکرر وخشی سازی چندين حمله توسط همسا يگان جاويد کوشستانی تحليگر کشور، ویی توجهی ویی تفاوتی نظام حاکم در مقابل اهل قلم و حمله تروريستی برموتراحم کارمندان تلویزیون طلوع و اخطارهای بی دربی برادران ناراضی دولت قبلی ومخالفان سياسی دولت فعلی، که بشمول تلویزیون یک وضاحت کنندگان واقعی وسایل ارتباط جمعی را اهداف نظامی قلمداد نمودند.

قابل يادآور است که هفت از کارمندان شبکه صورتی و صوتی طلوع تاريخ سی ام ماه جدی سال ۱۳۹۴ خورشیدی ۷ تن کشته و ۲۰ تن زخمی شدند. برنياد ديده بان رسانه ها در گزارش سالانۀ شان خاطر نشان ساخته اند که در مجموع ۶۴ مورد خشونتها بشمول قتلهاو زخمی ساختنهای خبرنگاران اعمال شده، که ۲۶ مورد از سوی دولت و ۲۱ مورد از سوی افراد ناشناس ویک مورد توسط مورد توسط قوهای بين المللی اعمال شده هکذا دخبرنگار در آبهای يونان که در پهران سيل مهاجران برای رفتن به اروپا غرق شدند وبکی هم در دايره تنگ پهران مالیی و فضای ايجادشده روانی و کاری خود کشی نموده، شايان يادآوری است که در سال قبلتر، نيز يعني سال ۱۳۹۳ همچنان ۱۱۶ مورد خشونت عليه خبرنگاران ثبت گردیده که ۶ خبرنگار به قتل رسيده اند، اما سالی بعدی آن مشاهده شدقتل خبرنگاران نسبت به سال قبل افزايش يافته وهمچنان حملات مستقيم و هدمند و هکذا تهديدها عليه گزارشگران و رسانه ها افزايش يافته که از چالشهای جدی ديگری برای دنياى رسانه یی محسوب ميگردد، هکذا مصونيت جانی وشغلی(صفحهٔ

جزئیات حمله بر پیکارستان ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

نږود، کار کتان چارهٔ نداشتندجز آنکه با آنچه خودشان مېدېدند اعتماد نمانېد، به کار کتان طیاره ازطریق رادیوگفته شده بود که حویلی دارای دیواری مېباشه که چندین عمارت راحاطه کرده است وبالاوی دروازهٔ عمومی بصورت قوسی ساخته شده است. این نوع نشانی هدف برهر عمارتی درهرشهرافغانستان تطبیق شده مېتواند، همچنان این نشانی شبیه حویلی عمارت بیمارستان بوده مېتوانست که درحدود ۴۰۰مترازهدف اصلی دورترواقع شده بود. کار کتان طیاره به دستوری که ازقوای خاص ذباقی پیش ازحمله گرقتند، تردد داشتند، درېک لحظه به آنها گفته شد که پس ازحمله برهدف اول، هدف دوم راطرف ضربه قرار دهند، آنان بیان داشتند که آنهاهم همان کار رامیکردندتاهداف رابه قوای افغانی نرم سازند. یکی از کارکنان طیاره ازدیگران سوال کرد: پس اومیخواهده که ماڤیرکنیم؟جواب شنیدند: بلی من متقن نیستم که نرم سازی هدف چه معنادارد؟پلوت گفت که ازاو پرسان کنبه، عضو سوال کرد، برایش گفته شد:«منظور ازنرم سازی هدف آنست که تمام فرصتهای هدف تحریب شوند.»کارکنان هدفی راتشخیص کردندکه مانند دستگاه ضبط وپخش تلویزیون بود، هدف باوصافی که مقامات نظامی افغانی مخابره کرده اند، وفق دارد ولی باچندین مرتبه تلاش که کدام عمارت بایدهدف حمله باشد، طیاره رامتوجه عمارت شفاخانه کردند.هنوزهم کار کتان طیاره مشوکو بودندحتی بدرستی نمی فھمیدند معنای فرصتهای هدف چه میباشد، پلوت به دیگران درطیاره گفت: «زمانیکه من فرصتهای اهداف رامیشنوم فکر میکنم باهرچه که زشت میباشد برمیخورم، نابودش بداریم.»«مباحته میان آنان و قوای خاص درزمین، تاساعت دوی بامدادادامه داشت، به طیاره هدایت داده شد که فیر کند، ساعت ۸ صبح حمله آغازشد. دردرواول قسمت شمال حیاط بیمارستان، جایکه مردان درحال گشت وگذار دیده شده بودند مورد ضربه قرارگرفت، درحمله اذتمامی قدرت آتش توپ وخمپار-۱۳۰ ای سی استفاده شد.

داکتران بدون مرز قادرشدندپس از۱۲دقیقه بامقامات امریکاتماس برقرار کنندو بر آنچه واقع میشد هوشداردهند. تماسهای تلفونی و نکست به قوماندانهای امریکادر افغانستان وپنتاگون درواشنگتن، وزارت داخلهٔ افغانستان درجریان ریزش بمب ادامه داشت وتقاضامیشد که حملات توقف داده شود. دستپاچگی بسرعت بین قوماندان های امریکادر کابل وسربازان درقندلرايجاد گردید، بساعت ۵۲/۲ نیمه شب پس ازچهل دقیقه که اولین فیرصورت گرفته بود، داکتران بدون مرزدر کابل جواب ازکیسی درمرکزاتلاف به رهبری امریکادریافت کردند که چنین بیان میکرد:«من بسیارمتاسف هستم که این خبررامیشنوم، هنوز هم نمی دانم چه واقع شده است.»

درگزارش بدون مرزآمده که فرمانده قوای خاص، حمله رابساعت ۳۸/۲ بامداد متوقف ساخت، ولی یکی ازتلفه‌نهای داکتران بدون مرز که شامل گزارش میباشد، توقف حملات را بساعت ۵۶/۲ دقیقه تقاضا کرده بود. داکتران بدون مرزبساعت۱۳/۳ دقیقه پیام نکست فرستاند که توقف حملات راتایید کردند. پس از۵ دقیقه نمانبدهٔ رسمی گروه داکتران بدون مرزدنیویارک، به پنتاگون خبردادکه حمله پایان یافته است، یک داکترکشته شدوجندین نفرمفقود میباشد./

تلویزیون زوندون (دنباله ازصفحه پنجم)

استادخلیلی دانشمند، شاعر، سیاستمدار ومورخ شناخته شدهٔ کشور ومنطقه میگوید:«شاه حبیب الله کوهدامنی درناحیهٔ زانج زخم برداشت وخونریزی زیاد کرداو رادرپاغ پدرم درحسین کوت آوردند وتوسط داروهای وطنی تداوی شد.»

ثبوت دیگری که قیامهای پشتونهای جنوبی برهبری وحمايهٔ انگلیس صورت گرفت موجودیت شخصی بنام لارنس عربی است که چندین ماه پیش ازآغازآغشاش دروزیرستان اقامت گزید، زبان پشتون رافرا گرفت وخودرا شخص مذهبی تیارساخت، پشتونهازد اوپرابی تعویذ ودم ودعا میرفتند. ازوجود لارنس عربی جاسوس مشهورانگلیس که کشور های عربی را پخاک وخون کشانید، درمناطق قبایل وزیرستان، زدران، چمکنی وخوگیانی مطبوعات آنوقت جهان نوشته هادارندو دولت انگلیس افزایش وجود اودرین مناطق توسط مطبوعات جهان سر آسیمه شده بود که مبدا حقیقت دست داشتن انگلیس در اغتشاش قبایل پشتون جنوبی برعلیه شاه امان الله افشا گردد.

درومردلانهای شاه امان الله برای حصول استقلال وغربی ساختن کشورو دست آوردهای مدنی واجتماعی درزمان اوتشریحات وتبلیغات زیادی شده که ذکرمکرر آنها درین مقاله اضافی بود، والبته بعضی اقدامات اوقابل قدردانسته میشود./ (دنباله دارد)*****

سخننی در باب مطبوعات (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

آینده مبهم گسترش نا امنی ازعوامل اصلی و اساسی مهاجرتهای گروهی خبرنگاران و کارمندان وسایل ارتباط جمعی بشمارمیرود، صدیق الله توحیدی رئیس دبیدان رسانه هادرکشورازحکومت وحدت ملی خواسته تابه خبرنگاران و کارمندان رسانه یی درمورد مصونیت جانی و مالی شان اطمینان دهد، وی خاطرنشان داشته که رسانه هاو خبرنگاران نیز درسایکه گذشت با مشکلات درون سازمانی بیشتری مواجه بوده اندبه گفته نامبرده هر چند مقرره طرز تأسیس وفعالیههای خصوصی توسط کابینه تصویب و نافذگردیده امابا همه شکایتهای درمورد مشکلات عمومی ودرون سازمانی وجود دارد، دبیدان رسانه هامیگوید باتوسعه وگسترش نامنی درکشوری سلجاری حضور بانوان دررسانه هاکم رنگ شده وتعداد خاتم هابرای کار در رسانه ها نظر به تهدیدها متاثرکننده ارزیابی شده، واقعا ۵۵فیصد اعمال خشونت از مخالفان و ۲۲ درصد ازطرف دولت و ۱۸ درصد ازطرف افرادانشناس اداره هالاحمربین المللی نیز این ارقام رامایهٔ نگرانی پنداشته وسال پاراکه برمبنای کاریشان ۱۱ هزارنفرمردم ملکی ناحق از بین رفته اند خونین ترین سال درتاریخ معاصرکشور، صلیب سرخ بین المللی ارزیابی نموده، هالاحمر بین المللی اضافه داشته به اندازه و پیمانهٔ که تهدیدبات وخشونها شدت مییابد باعث کاهش کمکهای جهانی میگردد. مسوول هالاحمر گفته خشونها درافغانستان به هیچ منطق انسانی و بشری برابر نمی باشد، طبق گفته صلیب سرخ روزانه بصورت اوسط ۱۰ کشته ۲۰ نفر زخمی رافشارها و تهدیدها درقبال داشته که ۱۴فیصدآن کودکان و ۳۷ فیصدآنها زنان تشکیل می دهد، این درحالیست که خط فقر که قبلاً۴۶ فیصد ارزیابی شده بود اکنون به۴۹ فیصدرسیده است و ریس دولت وحدت ملی خود را مشروط در امتحان می پندارد، در حالیکه وطنداران جهانیان در شقه این آزمون این دولت را ناکام مطلق پنداشته وآماده سه پارچه جیری برایش شده اند؟

این نوشته که درآستانه سالگرد دوهفته نامه وزین امیوروز جهانی مطبوعات به زیر چاپ میروود لهندا تبریکات صمیمانه و قلبی اینجانب و همکاران دیرینه و پارینه مطبوعاتی ام را باخود دارد، سالگردفته نامه وزین امید وروزجهانی قلم و کلام بر اهل مطبوعات ودوستانان آزادی بیان مبارک وخجسته باد. این نوشته رابرای دوست دانشمندو ارزشمندم جناب پروفیسر عنایت الله شهرانی اولین رئیس اتحادیهء سراسری هنرمندان افغانستان ونویسنده پژوهشکهرنرمندوشخصیت چند بعدی که زندگی خودرا وقف هنر وفرهنگ نموده وهمواره لطف ومحبت در حق مطبوعانین بشمول اینجانب داشته اناناکیدبارمطبوعات آزادومطبوعانیتان آزاده ادای حرمت واحترام می نمایم و انشالله در برنامهم۲۳ ماه اپریل پروگرام دریچهٔ سخن که ازطریق شبکه جهانی پیام افغان نشرمیگردد به روزشبه ساعت یک بعد ازظهروقت کالیفورنیا برعلاوه این نوشته اختصاصی به امیدگفتنیهای خواهم داشت درارتباط نقش مطبوعات وسیرژورنالیسم درچند دهه اخیرکه من

پوهنوال داکتراسدالله حیدری

سډنی، آسټرالیا

دردها ورنج های وطن (۲)

درد ورنج مېهنم نتوان بشمارد کسی کی تواند بشمرد
قطره های باران را صبغت الله،برهان الدین، گلبدین، سیاف، مزاری وبالاخره همه سران گروههای هفتگانه وهشتگانه، بغیر ازچور وچپاول دارائهای عامه، پر نمودن جیبهای خود،قتل وقتال هزاران انسان بیگناه وظلم وستم ییحد برمردم مظلوم، کوچکترین کاروخدمنی برای افغانستان نکردند.

بس به ناحق بکشتند هزاران مظلوم

همه جاسرخ زخون دشت ودمن می ینم

و آنکه باریش درازش بخوردپول جهاد

صاحب جاه ومقام، باغ وچمن می ینم

و آنکه بامیخ بسر کوفت هزاران مسلم

درصف اول دولت،به سخن می ینم
ازچپاول ودیده درائهای صبغت الله مجدیدی،شاهلдан عینی منجمله یک برادرخودم میگو بدردمجالس مختلفیکه در پاکستان برپامیکردند، ازظروف طعام خوری دوران پادشاهی ظاهرشاه که در آنها کلمات (التموکل علی الله) نقش شده بود، بشیرمانه استفاده میکردند. لعنت خداوجميع ملائک براین وطنفروشان وزدان یحیا باد!

بعدازدوران تاریک سران بنام مجاهدین،عصرسیاه جهالت ووحشت طالبان رسیداین سیهلدان وطالبان ضدعلم وترقی هرخرابی که از دست شان آمده،درحق مردم مظلوم وطن وکشور ما روا داشتند.

ازمظالم های طالب جان، کدماش یاد کرد؟

سر بریدن های ناحق، تا بت بامیان رسید

طول ریش گردید معیار مسلمانی ما

شرح احمدشدد فراموش،جهل رادوران رسید

مفتضح کردند مسلمان رابه دنیا آچنانک

شادباش کفروشیطان، براین مسلمانان رسید

شاهکار تاریخی بت بامیان منفجر شد،هزاران اثر فرهنگی ومجسمه های تاریخی وبازارش راتحریب بایصورت قاچاق ازوطن بیرون نموده وفروختند. تلویزیونها را به دار آویختند،هزاران رول فلم های موجود درآرشیف رادیوتلویزیون راحریق نمودند، طبقه اناث بشمول دختران خردسال راز کارو تحصیل محروم ساختند. از ظلم ییحد، زنان مظلوم رادرمالعام شلاق میزند وحتی دراستدیوم کابل وپیش چشم هزاران هموطن اعدام وهزاران فجابع دیگر رامرتکب میشدند!اعضای بدن زنها مانندگوش، بینی ولپها را قطع میکردند.بعضا جوانان بیگناه را محاکمهء صحرائی نموده سنگسار یا زنده به گور میکردند که هنوزهم این فجایع جریبان دارد.

گشت غارت موزه کابل هم آثارعتیق

لاجوردملک ماناعل بدخشان راچه شد؟

گشته ویران لوگرو کابل،غزنی وهرات

بامیان وشاهکار روزگارآن راچه شد؟

رشوه ورشوه ستانی گشته امری آشکار

ترس ازروزحساب حی سبحان راچه شد؟

ده هزاران پیرویران زنده بنمودندبه گور

کس نکرده تعزیت، آن غمشریکان راچه شد؟

باواقعۀ یازدهم سپتمبرگلیم این ظالمان مؤقتا برچیده شده ودوران زمامداری شاه شجاع قرن بیست ویکم وطن ما، کرزی وطغروش و خانن درجه یک، درسیزه سال اخیر رسید!زیرک خدمات !! کرزی وهمدستانش، وطن عزیزماکب افتخار! قهرمانی فسادردرجهان تصاحب کرده حایزدرجهٔ اول شد. قرارگفتهٔ اخیر کامرون نخست وزیر بریتانیادرصحبتی که باملکه الیزابت دوم داشت،افغانستان رابه طرزشگفت انگیزی فاسد توصیف کرده است.

درخلال سیزده سال ریاست جمهوریش، کرزی از حمایت کامل سیاسی ونظامی ادارهء بوش برخوردار بود.

در دو عالم خوار گردی، ای خائن ملی ما

میروی آخر ازاین دهر، کرزی جانی ما

روز و شب در فکر پُر بنمودن حییت شدی

در تباہی داده یی خیلی، تواز اردوی ما کسانیکه پیش ازقدرت رسیدن به اصطلاح (خرلنگ)هم نداشتند،بعد ازبقدرت رسیدن صاحب ملیونها ومیلاردها دالر گردیدند. با چوروچپاول دارائی های کشور،اصخاً ازاختلاس ملیونهاومیلاردهادالر کمکهای بین المللی،هر کدام صاحب گنجهای قارونی شدند.پولهای سرقت کرده رادربانکهای خارج ذخیره کرده اند. درحالیکه اکثریت قاطع مردم مابه نان سه وقت خودمحتاج بوده ومیباشند. کرزی که باید ازپولهای بادآورده کمکهای بین المللی برای رفاه عامه،ایجاد مکاتب، شفاخانه ها،اعمارسرهاوفابریکه ها، آبادی واعمار پروژه های زیربنائی استفاده میکرد تاازخود نام نیک بجا میگذاشت،مگرفرارانوشتهءلندن تایمز تاریخ ۲۳پریل سال جاری مبلغ ششصد ملیون دالرا برای تقویت طالبان این قاتلان هزاران هموطن ییگناه ما ونوکران سعودیها وآی اس آی به مصرف رسانیده است.

کرزی قاتل توا کی زنده باشی؟ به پیش مردمٔ شرمنده باشی اگرداشتی جوی غیرت تویی ننگ زیبک فیربردهات،مرده باشی کرزی ازاین پولهای بیت المال به پنج مرکزآموزشی طالبان درقندهاره، فاریاب،هیرمند،ننگرهار ولوگر سخاوتمندانه!! کمک کرده است،اگر این ادعاها درست باشد(که احتمال درستی آنهاسیار زیاداست) بایداز کرزی جیران این پولها حاصل شده ومصارف ماهانهءوی لغو گرددوهمچنان نام منحوسش از میدان هوائی کابل حذف گردد.

دریازده سال اخیر که جامعهءجهانی در کشورما حضورداشتند ومیلاردها دالر به افغانستان سرازیر شد،حتی یک پروژهءزیربنائی آباد نشد. یگانه پروژهءکه تاحلودی تکمیل شده، بند سلما میباشد که کارآن تقریباًپنجاه سال قبل شروع وازجانب دولت هندوستان تمویل گردیده است.

شاه شجاع ملک ما مین فروش کرده است بارخیات را به دوش باند اودر فکر تساراج وطن غافل ازروزجزا، درعیش ونوش کرزی خائف وازخود کش ییگانه پرست آققدردشمن وطن خود بوده که اگر برادران جاهل ودوراز اسلامش صدهاوهزارها هموطن ماراقتل عام میکردند، خم به ابرو نمی آورد، ولی زمانیکه ملا عبدالقیب، یکی از برادران طالبش در گذشت، آه وواولا سر داده وبه زبان حال میگفت:

برفتی ای برادر ازیرمن شکستی قاتم، تاج سر من

تو بودی قاتل صدهامسلمان طلب کردیده آخرداورمن

جسد آن قاتل راباتشریفات وهلیکوپتر مخصوص به ولایت زادگاهش درشمال افغانستان فرستاد. درحالیکه نماز جنازهٔ بالغ بر ۲۰عسکر ویلیس ما که درراه حفظ وطن به شهادت رسیده بودند ودر زیربشش درارگ برگزارشد، اشتراک نکرد.بالاخره باتمام تقلاهاوکوششهایکه کرزی برای بقای خوددر کرسی ریاست جمهوری نمود،موفق نشدو زمام این کشوری صاحب به دست مغزمتفکرجهان!!! وعبدالله عبدالله، این دونو کرامر یکارسید، که حکومت بنام وحدت ملی ودر حقیقت وحشت ملی رابنهانند.این حکومت یکی ازفاسدترین حکومتا جهان بوده باقلب،خنده، فریب ،ریا کاری ومفاسد بسیار زیاد توسط باداران این دو وطغروش به وجودآمده.تاحال که تقریباً دوسال ازحکومت وحدت ملی می

روزبروزبیشترشده است.وطن ما وزیردفاع ندارد،را کهای پاکستان بارهاوبارها قسمتهای ازوطن مارا زیر آتش گرفته اند، درین دولت خائن هیچکسی پیدانمیشود تادرمقابل این دشمنان وطن جزویرتین حرکی بالممثل نماید.

هنوزبکعداد وزارتها وولایتهای ماتوسط سرپرستها اداره میشود.

برادران کرزی واحمدزی هرروزدر گوشه وکناروطن حتی درزیر ریش شان در کابل وجوار ارگ صدها هموطن ما اعم ازعسکرو ویلیس، مردان وزنان واطفال ییگناه را به درجهءشهادت میرسانند. امیداست روزی راشاهدباشیم که اینهمه خائنان وجانیان به کیفراعمال خودرسیده باشند.

باید متذکرشد که درحقیقت،نهاد وسرشت حکومت کرزی و وحدت ملی کوچکترین فرقی وجودندارد،هردو حکومت ازنوکران امریکا بوده وازراههای خیانت وفریب بوجودآمده وتازمانیکه حکومت امریکابرای اغراض شوم خودضرورت داشته باشداز آنها استفاده کرده وبعدا مانند صدهانو کردیگر خود آنهارابه دور خواهد انداخت. چنانچه همین حالا هم حامد کرزی تا حدی ازطرف بادارانش رانده شده است.

مغزمتفکرجهان ! بعد ازرسیدن بقدرت تمام وعده هاووعید هایرا که به ملت فربب خورده داده بود،فراموش کرده همیشه ازپول ملت درسفر های حق وناحق به خوشگذرانی وسیاحت سپری میدارد. شخصیکه درسالهای مشکلات وجهاد وطن درسایهء امریکا دورازوطن گذرانده و با خانم عیسوی مذهب خود به کلیساها میرفت، حالا!تقدر به اسلام و اسلامیت تظاهر میکند که تسبیح طولایش همیشه به دستهای مبارکش!! بوده وحتی دروقت صحبت بامسلکهء انگلستان عبادت وتسبیح گشتاندن خودرا فراموش نکرده بود.

براساس رتبه بندی سازمان شفافیت بین المللی،افغانستان ازجملهءیکصد وشصت وهشت کشورجهان، سومین کشورفاسد جهان است. البته برای آقایان غنی وعبدالله شرم است که از کرزی دو درجه عقب مانده اند !

در این اواخرمژده ایکه ازطرف ایندو وطغروش به ملت نجیب افغانستان داده میشود، آوردن گلبدین خونخور و بیرحم که قاتل هزارن هموطن ما بوده وکابل زیبای مارا او به ویرانه تبدیل نموده است، به وطن می باشد.

تو حکمتیار،ای خونخوروشیطان

نکردی خدمتی، درراه سبحان

بکشتی صد هزاران بی گناه را

نمودی کابل زیبا تو ویران

اگر یاز پای کثیف این جانیکار به وطن داخل شود،باعث خونریزی های بدتراز گذشته خواهد گردید.

من از کفار وچاکرهاش نالام که باما هرچه کردمسل نما کرد

چون دردها ورنج های وطن یی شماراست وبا نوشتن صدها کتاب و

اوراق یی حساب خلاصی نخواهد داشت.بنده باهمین سطورچند بسنده

نموده دراخیر یکپارچه شعرمکمل مبهنی خودرا دراستقبال ازشعرمرحوم عبدالهادی داوی خدمت هموطنان عزیز خود تقدیم میدارم.

(تا به کی اولاد افغان تا به کی؟ تا به کی هان تابه کی هان تابه کی؟)

تابه کی ای خلق افغان، تابه کی؟ زیریوغ این لعینان، تا به کی؟

گشته ملک ما به ویرانه بدل در تماشای یزیدان، تا به کی؟

عقل کل ! باجمله همدستان وی خون ملت خورده جولان، تابه کی؟

انتحاری های بی دین یی خدا قتل عام یی گناهان، تا به کی؟

راه گیری ها به هرسوی وطن ظلم ییحد برگروگان، تابه کی؟

سر بریدن های بی جا یی جهت هرطرف درملک افغان، تابه کی؟

عسکر مظلوم وپاسدراوطن گشته یی دست پلیدان، تابه کی؟

نو کروی آی اس آی ع و(غ)* تابه کی آزاده مردان، تابه کی؟

ع وغ روزو شب درعیش ونوش مردم مظلوم مابی آب ونان، تابه کی؟

ازسفر های حق وناحق غنی دوردنیا گشته خندان، تابه کی؟

بنه ی بد را بلانا بشکیست زنده ماندن باسرطان، تا به کی؟

زیر دول غرب، ای آزادگان خوشخرامی کرده رقصان تابه کی؟

بهر آزادی کشور زین ستم متفق گردیده پاشان، تابه کی؟

خائنان ملک وملت، یکسره نیست وناپود کرده،عصبیان تابه کی؟

ای خدا روزی رسان تاختانان گشته نابود،ظلم ایشان، تابه کی؟

(حیدری)دورازوطنی درملک غیر دردغربت درد هجران، تابه کی؟

*—عبدالله عبدالله واشرف غنی احمدزی /

ساخته دلخراش لاورئانو (دنباله ازصفحهٔ دوم)

عطر سعادت از گل دنیا میده است فریاد غم به اوج ثر یار سیده است

یک بیت از کتاب خوشی نیست برلی گویی زچشم شعر زمان خوتچکیده است

هر گز کسی به گلشن دنیا بدون خار دسته گلی ز گلشن عشرت نچیده است

از سوع قصد آدمی بر جان آدمی مرغ خوشی زشاخهٔ گیتی پریده است

یکدم ز کین وجنگ نشدخسته زانکه وی این بارابه قوت شیطان کشیده است

چین برجین نکرد زمحرومی سواد این زهرطعنه گرچه مکررچشیده است



منفور خلق گشته زافعال زشت خویش چون جغد گوشهگیر یکه‌جی خزیده است

نبود امیدروشنی چشم من (امیر) دردیده خار حسرت و حرمان خلیده است
ماخذ: ۱- www.eslam-soni.blogfa.com2- انشنامهٔ آزاد

۳- قرآن مجید ۴- نمبر ۱۲۰: www.eslam-soni.blogfa.com

۵-سورهٔ کهف، قرآن مجید. ۶-الحاج سیدامیر انصاری. دیوان اشعار مهتمم

بازگشت همه به سوی اوست

– وفات مرحومه بی بی حاجی رابعه گیسراج رادرورجینیا، به خانواده های محترم سراج، غوثی، اشرف، محمود وعسکرزوی صمیمانه تسلیت میگویم.

امید

– وفات شادروان توربالی اعتمادی رادر کالیفورنیا به خانواده های محترم اعتمادی وسراج وبقیه منسوبین شان صمیمانه تسلیت میگویم. امید

– وفات همکارمحترم قلمی امید شادروان وکیل احمدلامع احراری



رادر کالیفورنیا به خانواده های محترم احراری، پوپل وپویژه همکارارجمند امیدجناب استاد عبدالعلی نوراحراری صمیمانه تسلیت می گویم .
امید
به یاد شادروان محمدعصیم کوشان. که همکار مهربان ابدنا روز یوستش به حضرت حق (ج) بود .
عصیم جان در ۲۱ سالگی، بامادر و پدرش دریکی ازباغ های ورجینیا (۷ می ۲۰۰۵) روانش نشاد و جایگاهش بهشت برین باد !
گلچین روزگار عجب خوش سلیقه است
می چید آن گلی که در او هست رنگ و بو

نصیراحمد رازی

داستانهای همسو با تصوف

(به ادامهٔ گذشته) توجه به دین اسلام : اهل ظاهرصوفیه رابه مبانی دین اسلام بی اعتقاد دانسته وکتب متعدد در ردطریقت آنان تألیف کرده اند. درصورتیکه نزد صوفیه، اصل توجه به دیانت وطاعت بوده ودر بارهٔ زهد ومبالغه درعبادات اینان در آثارصوفیه داستانهای بسیارنقل شده . نهایت اینکه برخی ازمشایخ این طایفه با ملاحظهٔ خیل ریاکاران، طاعت وعبادت رابه تنهایی وسیلهٔ معرفت وتقرب به حق ندانسته اندبلکه تزکیهٔ نفس، صفای درون، ایثار، محبت،عشق،خدمت، تسلیم وتوکل رانیز درین راه موثر ولازم شمرده اند، و گفته اند که انجام داده فروایض دینی وترک دنیا غایت مراد نیست، وحتی ممکن است تکیه براعمال وغروری که ممکن است ازین راه دردل حادث شود، حجاب راه سالک گردد واورا ازحق دورسازد.

خواجه عبدالله انصاری (۵۴۸۱) دررسالهٔ مقولات به این نکته چنین اشاره کرده:
بیرازم از آن طاعت که مرابه عجب آرد، بندهٔ آن معصیتم که مرابه عنزآرد.

درراه خدا دل کعبه آمد حاصل
یک کعبهٔ صورت است یک کعبهٔ دل
تا توانی زیارت دل ها کن
کافزون ز هزار کعبه آمد یک دل
همین نکته رامولاناجلال الدین بلخی به نحوی دیگر بیان داشته است:
طواف کعبهٔ دل کن اگر دلی داری
دل است کعبهٔ معنی تو گل چه بنداری
هزار بار پیاده طواف کعبه کنی
قبول حق نشود گسر دلی نیازاری

(دیوان شمس)

صوفیه گفته اند: آنکه در مقام مشاهدۀ حق واقع شد وجز یاحق اندیشهٔ به دل راه نداد، اعمال ظاهر راتنها شرط تقرب به حق بشمار نخواهد آورد. این هادان معنی است که درقرآن کریم نیز بدان اشارت رفته است(ولد کرالله اکبر)عنکیوت ۴۶. والبتۀ یاد و ذکر خداوندبزر گراست. حافظ گوید:

همه کس طالب یارند چه هشیار چه مست

همه خاخانهٔ عشق است چه مسجد چه کنشت
مقصود از عبارت درک حالت روحانی ویوندمعنی بابیشگاه الهی است وگر نه بسیار بودند که اعمال وطاعات رادام راه کرده باتاویلات ناصواب ازقر آنکریم بیه بیراهه رفته اند. بنابرین صوفیه بر آن بودند که باجلب عنایت حق وتصفیهٔ باطن و دمیدن خلّی وخوی آدمیت درمردم، آنان را به خلدانزدیکتر سازندوچنانکه میدانیم درهمه آثار این طایفه به قرآن کریم واحادیث نبوی استنادشده، وهمین کتاب متنی راز کثرت استشهادبه آیات وتفسیر آنها وهمجین احادیث وروایات، قرآن فارسی خوانده اند. نزدیک کردن شریعت وطریقت به یکدگر و رد این نکته که تصوف از دین جداست، به کوشش غزالی، هجویری، قشیری وچند تن دیگر از مشایخ این قوم انجام پذیرفته که برای تعدیل افکار برخی از صوفیان ومصون ماندن این طایفه از تکبیر وآزار فقها به این مبادرت ورزیده اند، و زده و ریا راستخ نکوهش میکردندوعبادتِی را که برای پاداش دنیوی واخروی انجام پذیرد، مردود میشمرند.

داستان حق نمک : قبل از آنکه به داستان حق نمک بپردازم، سخنی چند درین مورد به قلم آرم . نمک در کشورهای شرقی علاوه برچاشنی غذاها، مفاهیم اجتماعی گوناگون نیز داردو نزدصوفیان وعباران و جوان مردان حتی از تقدس خاص برخوردار است. دربرخی موارد نمک بجای نان بکاربرده شده واین احتمال به علت آنست که در تهیهٔ نان نمک را به خمیرعلاوه میکنند. بهر تقدیر خوردن نمک بادیکران به معنی نوعی عهدبستنن به رفاقت ورعایت آدابی بوده که به آن حق نمک گفته اند.

نمک در ضرب المثلهای گوناگون زبان فارسی نیز بامعناهای متعددی آمده :

۱- نمک کسی راخوردن به معنی از نعمت خوان وسفره وحمايت کسی بهره بردن است،
۲- نمک پرورده به معنی مدیون ونیزبه مفهوم حرمت ودست پرورده است،
۳- با کسی نمک خوردن به معنی رفیق شدن و برخورداری ازدوستی ومودت. سعدی میگوید: رفیقی داشتم که سالها با هم سفر کرده بودیم ونمک خورده ویکران حقوق صحبت ثابت شده،
۴- نمک ناشناسی یعنی رعایت نکردن حرمت تنهفات اخلاقی که شخص درقبال بهره گیری از نعمات صاحب نعمت دارد. نمک کور نیز بامهین مفهوم بکاررفته است،
۵- نمک حرام یعنی ناسپاسی ویی وفایی وحق ناشناسی وخیانت راگویند،
۶- داشتن دست بی نمک یعنی کسی که در ازای لطف ومحبت به دیگران باجور وجفای اوروبرو شود،
۷- نمک گیرشدیعنی زیر دین کسی رفتن وبه اومدیون شدن.

حکایت: حکایتی که عوفی درجوامع الحکایات از رعایت حرمت نمک عیاران نقل کرده گرچه به نظر اغراق آمیز ومبالغه می آید، اما نشان میدهد که عیاران تاجه اندازه به این اصل پایبند بوده اند: یکی ازطراران (دزدان) ماورالانهر به نیشاپور آمد وشبی به خزانهٔ ملک مؤید تقی زد وازطلا و جواهر هر چه توانست برداشت. در تازیکی چیزی دید که میدرخشید، گمان برد که گوهرشب چراغ است، چون آنرا برداشت توانست ماهیت آنرا دریابد، زبان بر آن نهاد تابه حس

دا کتر عنایت الله شهرانی

بلو منگن — اندایانا

تاریخچهٔ مختصر هنر در افغانستان (۵)

دوم، هنر نقاشی : هنر نقاشی در افغانستان ریشهٔ طولانی دارد، در هر عصر وزمان نقاشان ماهر به میان آمدندو بعد از هنر نمایی های خارق العاده به دنیای فانی شتافتند. تعداد معدودی از آنها به یاد اخلاف ماندندو کثری از آنها بی نام ونشان رفتند. آنچه که نقاشی رادر تاریخ کشور به درجهٔ بین المللی وجهانی رسانید، هنر میناتور ی بود که در زمان حضرت سلطان حسین باقرا وبه تشویق ومدد گاری او حضرت استاد بهزاد میناتور کار معروف ونایغه بروز کرد وحلقهٔ بزرگ هنر رابه میان آورد. اساسات پیشرفت هنر میناتوری ونقاشی رامینگارد وخانهٔ نگارستان هرات و تختگاه سلطان بافر هنگ تیموری رازینت بخشید. چون درین مقاله گنجایش شرح حال همهٔ هنر مندان نقاشی افغانستان نیست، از آن سبب طوریکه در هنر خط میرعلی هروی رامعرفی نمودیم، در هنر نقاشی شرح حال استاد بهزاد رابسنده میدانیم وهنر مندان بعد از بهزاد را که معاصران میباشند، با ذکر نام وحرفی چند معرفی مینمایم:

استاد کمال الدین بهزاد (۸۵۴–۵۹۴۲ه): استاد کمال الدین بهزاد فرزند شرف الدین که مسقط الرعش هرات است، از جملهٔ برجسته ترین نقاشان وهنر مندان قرن دهم هجری میباشد. این فرزند هنر مندهرات که بعدها پدر سبک میناتوری شمرده شد، با هنر نمایی های کلکهای با قدرت وهنرمندش جهان رابه لرزه در آورد. هنر مند بزرگ ونایهٔ هرات فریفته وشقیفهٔ شهرت نبود، اوقفت عشق وعلاقهٔ سرشار در تصویر کشیدن ورسامی داشت، اوبه تذهیب کاری ودر ساختن الم هاودیزاین بالای صفحات کاغذ دست میزد ومیخواست هنرهای واقعی که در فطرت و استعداد باطنی خود داشت بروز و تظاهر دهد.

استعداد خدا داد بهزاد آهسته آهسته تظاهر مینمود و اطرافیان اوبه کارهای محیر العقولش انگشت بدهان هامیبردندو آوازه و صیت شهرتش بگوش امیرعلی شیر نوائی آن امیر هنر پرور و آن امیر علم ودانش و آن امیر واقعی بر مردم، مربی ومشوق درگاه هرات رسیدو بعدا قدرت وعظمت هنری اش شهرةٔ آفاق گرفت . سلطان حسین باقرا(۸۷۳–۵۹۱۲–۱۴۶۸م) با حمایت وقدر دانی علی شیرنوائی هر دو به یک مفکورهٔ تشویق وپیشرفت بهزاد اتباز گشتند. بهزاد نه تنها در ممالک آسیاشهرت بسزای یافت بلکه آوازهٔ هنرش در کشورهای دور زیب وزینت بخش بسیاری از موزیمهای دنیاشد. اوج شهرت استاد بهزاد در سالهای ۵۹۱۶م وبعلمیر سد و نقاش بز. به اسلوب میناتوری با ریزه کاری باموی قلم کار های فوق العاده انجام میدهندوبه اوج شهرت میرسدو محبوبیت اویجای میرسد که شاه اسماعیل صفوی میگوید: «بهزاد را به نیم سلطنت خودمبادله نخواهم کرد.»

بهزاد که انقلاب بزرگ رادر سبک میناتوری ایجاد کرد خودش نیز این سبک رابه پایهٔ ا کمال رسانید. اود هنر میناتوری ابتکارات خصوصی را ابداع نمود که از پیش آهنگان درجه یک میناتوری شمرده شد. در اینجا لازم است تادر خصوص سبک او نظر دیگران راجوینم که اینک چند دلیل وبرهان بطور نموده آورده میشود :
دیمانه، در کتاب صنایع اسلامی دربارهٔ بهزاد مینویسد: «یک دورهٔ جدید و درخشان در نقاشی شرق شهر هرات در زمان سلطان حسین میرزا و وزیر نامدارش امیرعلی شیرنوائی که خود شاعر وموسیقیدان ونقاش بود آغاز گردید، که مشهورترین نقاشان این عصر کمال الدین بهزاد هراتی است که در سال ۱۳۴۰م متولد واز عجایب عصر خود بشمار میرود. وی دربارهٔ سبک بهزاد شرح جالبی نگاشته: این نقاشیا (نقاشی های بهزاد در حنسهٔ نظامی وغیره) آشکار میسازد که هنر مند در مشاهدهٔ طبیعت دقیق وتیز بین بوده وبا بکار بردن رنگهای مخصوص بخودش ابتکار کرده است. در جای دیگر گوید : از خصایص دیگر سبک بهزاد ظرافت کاری، حرکات زنده وتما یز صورت اشخاص و صر فنظر کردن از جزئیات است که در نقاشی های اواخر عمر او دیده میشود، مخصوصا در رنگ چهره و ترکیب رنگهای خاص خودش نبوغ خارق العاده از خود نشان داده است. دا کتر ذکی محمد حسن در مورد بهزاد گوید: بهزاد در رنگ آمیزی ومنج رنگها ودانستن خواص وترکیب آنها در تغییر از حالات مختلفهٔ انسانی در تصاویر مهارت وتسلط زیادی از خود بروز داده که مخصوصا در کشیدن اشکال ومناظر طبیعی به حد اعجاز رسیده است. خوش سلیقگی ابداع ومهارتی که در ترکیب رنگها و انسجام ودقت نظری که در تزیین نقوش بکار برده همه گواه بر آنست که بهزاد همان نقاش کاملی است که تصور و تکامل نقاش خراسانی درین دوره دوم مکتب مغلی(تیموریان هند) وتیموری هرات را بوجود آورده است.

دا کتر س کرستین رین، خصایص واسلوب کار بهزاد را چنین خلاصه میکند:
۱- درستی ودقت کامل در خطوط تصاویر،
۲- نمایاندن وضع چهره وقیافهٔ اشخاص بطور شگفت انگیز وبوسیلهٔ ترکیب رنگها،
۳- حرکت ومفهوم بودن اشارات تصاویر،
۴- ظرافت در کشیدن درختها، گلها ودورنماها ونیز در نمایش اشعهٔ خورشید و ابر،
۵- شمارهٔ رنگ های گوناگون و توافقی آنها با یکدیگر .
/ (دنباله دارد)

موید خبر دادند که شب پیش به خزانه زده اند اما هیچ نبرده ان، ملک در شهر ندا داد که هر کس این کار را کرده، در امان است، باید و بگوید باینکه می توانسته طلا وجواهرات را ببرد، چرا هیچ چیزی نبرده است.

عیار آمد و گفت: این دستبرد من زده ام و علت اینکه نتوانستم چیزی بدزدم اینست که چیزی دیدم سپید و روشن و چون زبان زدم و معلوم شد که نمک است، با خود گفتم که نمک پادشاه چشیدم، از مروت به دور باشد که حق نمک نشناسم، پس از دستبرد منصرف شدم . (اسیدالدین محمد عوفی ۱۳۸۰/)(دنباله دارد)

دا کتر محمد اسماعیل رضایی

کسل — آلمان

نامهٔ سرکشده عنوانی آقای غنی احمدزی

رییس جمهور دولت اسلامی افغانستان !
احتراما مراتب ذیل را حضور عالیجناب محترم تقدیم میدارم :
ملت رنج دیدهٔ ما پس از سیر یی شدن چهل سال به صلح و آرامی ضرورت دارد. میرهن است که اهداف عالی صلح منوط بر نیات نیک مقامات عالی و پشتیبانی عموم طبقات ملت میباشد. بارویدست گرفتن پلان و پروگرام های درهم وبرهم شما، اصلا اهداف بر آوردن نیازهای مردم معلوم و روشن نمی باشد! مثلا نیاز عام مردم به انرژی میباشد، طوریکه وانمود شده، جهت رفع کمبود انرژی وغیره به برق وارداتی افتخار میدارید، در حالیکه منابع تولید انرژی از قبیل آبیهای فراوان دریاها، اشعهٔ خورشید وباد به حد اوفر موجود است، و اما کجاست برنامه و پلان کشندهٔ آن؟ آیا نمیشود از بنهمه کمکهای بین المللی اقالا یک بندعالی از دریای آمو یا کنرها وغیره استفاده گردد؟
بمانا! فوق میخوام نکات ذیل را بطور مختصر اشاره بدارم وامیدوارم به مطالعهٔ عالی برسو گردانندگان حکومت متوجهٔ وظایف ذیل شوند، که اطفال یتیم ونسل آینده همه را محاسبه خواهند کرد :

همسایهٔ جنوب وشرق قلم ما پاکستان، دارای نفوس ۱۶۰میلیون بوده واقعا یک کشور فقیر میباشد، کدام قلم صادرات عمده بدون از مواد مخدر را دارا نمی باشد، در حقیقت اقتصادورشکسته دارد، اما ولایات سند و پنجابش از آب دریا های ماسیراب می گردد، که البته طور رایگان جریان دارد! اما در برابر این نعمت مفت ومجانی از افغانستان، مشاهده میکنیم که جهت اهداف شیطانی خود روزانه جانبا نی را که ملارس دیوبندی خود درس آدم کشی وتخریب داده، برای قتل مردم ماو تخریب زیر بناهای اقتصادی مایه کشور مایفرستد. مگر مردم ماتاهنوز یک ستر اتزی ملون و علمی برای جلو گیری ازین دادوستد ظالمانه از سوی حکومت وحدت ملی شاهد نیست! عین کمبود ومشکل رادر رودخانه های

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر ـ یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر ـ یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر ـ یکسال (۱۴۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

محمد اسحق ثنا ریحوند — کانادا

معرفی مختصر یکی از مشعداران معارف

جناب الحاج استاد رمضان بیغام

استادالحاج بیغام یکی از استادان سابقه دار کشور ماست، که اکثریت اهل معارف افغانستان با این استاد گرمی آشنایی دارند. این استاد پیوسته در راه تعلیم و تربیهٔ اولاد کشور از سالیان متمادی مشغول وهنوز که الحمدلله حیات حیات دارند در فکر آبادی کشور، قطع جنگ وخونریزی بوده وباخاطره های شیرین دورهٔ استادی خود افتخار دارند، که اینک بصورت مختصر به معرفی ایشان پرداخته میشود .
الحاج استاد رمضان بیغام فرزنداستادرحمن قل نجار درماه رمضان سال ۱۳۱۰ه

ش درگذر یامچی خانهٔ ولسوالی اندخوی متولدشد، بنابرعلاقه و تمایل فامیلش به مسجد خانکی مسجد یامچی خانه شامل و تحصیلات ابتدایی بشمول قرآنکریم، چهار کتاب، حافظ وغیره رانزد مرحوم بابۀ خان خلیفه به اتمام رساند ودر سال ۱۳۲۱ شامل مکتب ابتدایی اندخوی شده وبعد شامل دارالمعلمین کابل شد ودر سال ۱۳۳۴ از صنف دوازدهم فارغ التحصیل گردید. پس از آن بحیث معلم به مکتب ابتدایی قرغان اندخوی مقررشد، بعد از مدتی بصفت سرمعلم وبعلازا ن یحیث مفتش، معاون مدیریت معارف، مدیر معارف، رییس تعلیم وتربیه ورییس جبهه ملی پدر وطن ولایت فاریاب انجام وظیفه نمود، که درین مدت بنابر فعالیتهاوزحمت کشی هایش تقدیرنامه ها اخذ نموده است وعرضهٔ کار و فعالیت این استاد در زمینهٔ تربیهٔ اولاد وطن ۳۵سال رادر بر میگردد. بعد ازین وظایف، مدتی یحیث رییس تفتیش جبههٔ ملی پدر وطن ومعاون حوزهٔ شمال، معینیت وزارت اقوام وقبایل وبعدهایحیث مدیراداری شهرداری شیرغان و سپس منحیث مدیراداری ومعاون ریاست گمرک اندخوی وظیفه اجرا ونایل به اخذ تقدیر نامه درین دورهٔ کاری خود نیز شده است.

استاد بیغام بنابر عدم استقرار اوضاع امنیتی، سالها قبل به پشاور مهاجرت ودر کمپ خراسان در حدود دوهزار فامیل از صفحات شمال افغانستان در آن ساکن شده بودند، موفق شد که مکنی بنام مکتب ابتداییه خراسان تاسیس نماید که متعاقبا به متوسطه ولیسه ارتقا یافت، این مکتب به سوبهٔ لیسه هفتصدشاگرد داشت واضافه ا زده معلم در آن مشغول تدریس بودند. الحاج استاد بیغام علاوه بر پاکستان به کشورهای ترکمنستان، اوزبکستان، روسیه و امریکاسفر نموده است. خلص فعالیتهایی که استاد بیغام در دوره های کاری اش انجام داده، اگر خیلی بطور موجز یادآوری کنم چنین است:
در زمان کارش در معارف فاریاب ایجاد مکاتب دهائی، ابتداییه ولیسه به حدود ۸۰ باب میرسد. تعمیر لیسهٔ ابو عبید فاریاب که در اثر حریق وجنگها از بین رفته بود، به اثر زحمتکشی ومساعدی فراوان موصوف، در مدت ۴ماه ۲۵ اتاق اعمار ومورد استفاده قرار گرفت. همچنین استاد بیغام مدتی را که در جبههٔ ملی اجرای وظیفه میکرد بنابر اینکه مکاتب زیادی در اثر جنگها تخریب وحریق شده بود، او دردوباره سازی و ایجاد تعدادی مکاتب جدید تلاش میدریغ نمود. جناب استادالحاج بیغام در زندگی اجتماعی خود انسانیتست متدین، مهربان، دارای قلب رؤوف واحساس بسیار رفیق. استاد ازدواج نموده ودارای هفت پسر وشش دختر است، که همهٔ آنها آراسته به زیور تعلیم وتحصیل اند، استاد فعلا در ایالت ورجینیای امریکا با خانوادهٔ شان زندگی دارد. خداوند این استاد عزیز را باصحت وعافیت داشته واز گزند آفات ارضی وسماوی نگهدار باشد. /

البته تولید قاتونی خشخاش بصورت کنترل شده از سوی وزارت زراعت جهت تجارت جهانی ادویه کار مجاز ومورد قبول جامعهٔ بشری است، و حکومت فعلی درین راستا باید پلان وبرنامهٔ مشخص بریزد واز عیادات مشروع آن به نفع ملت ما استفاده بکند.

اجازه بدهید به مطالب با اهمیت دیگری نیز اشاره کنم :

– ملت مامتشکل از اقوام تاجیک، اوزبک، پشتون، ترکمن، هزاره و غیره میباشد، اهالی بارو حیهٔ همزیستی در کنار یکدیگر اند، نباید این همزیستی رابرهم زد! همهٔ افراد کشور باید به یک چشم دیده شوند، اشخاصیکه با این روحیه موافق نیستند، بدانند که جمعیت امروزی همه چیز را با چشمان باز مشاهده میکنند. در گذشته اشخاصی دارای افکار منفی به جزای اعمال شان رسیده اند، افراد معتقد به برتری از هر نوعی که باشد، باید از گذشته پند بگیرند.

آقای رییس جمهور! پروگرام وبرنامه های اقتصادی شمار مورد چرخش ودوران اقتصادو تنظیم پلان بودجه دولت معلوم و روشن نیست! یعنی راجع به سیستم رقابت آزاد که امروزه در وطن ما مروج است، وزارت تجارت واقتصاد کدام طرز العملی ندارد و جلوگیری از انحصار مواد در بعضی مواد مثل نفت و گاز وغیره باید جدا وعملا اقدامات به عمل آید، همچنانکه لازمست از ترسیدن تخصصصات مربوطه به دور ترین ولسوالیها که شکایات موجود است، مثل ولسوالیهای بدخشان، یا تریمات اساسی به موقع جادهٔ سالنگ وارسی جدی صورت گیرد.

امیدوارم نکاتی را که بطور فشرده یادآور شدم، مورد توجهٔ شما قرار گیرد. /

انفجار در بدخشان ۱۰ کشته و ۳۶ زخمی بجاکداشت

۲۰ جون / بدخشان — بی بی سی: انفجار مواد جاسازی شده در میدان مرکزی ولسوالی کشم، ۱۰ کشته و ۳۶ زخمی بجاکدشته است. خان مژده یکی از شاهدان عینی گفت مواد انفجاری در یک دو چرخه جاسازی شده بود. فیصل بیگ زاد، والی بدخشان گفت این انفجار حوالی ساعت ۱۰ به وقت محلی در میدان (جوک) اصلی مرکز کشم رخداد و بر اساس اطلاعات اولیه تمام کشته و زخمی شدگان مردم عادی این شهر بودند.

دکتر فیض الرحمن احمدی، مسئول بهداشت ولسوالی کشم، گفت این مین در زیر یک چهار چرخه کارگذاری شده بود و در یک وقت مزدم (زمان شلوغ) منفجر شد. به گفته او بیشتر قربانیان نیز دستفروشان و افراد عادی جامعه هستند. در این منطقه روز دوشنبه بازار رفتگی دایر می‌گردد. به همین دلیل مزدم زخمی ها در مرکز درمانی کشم به دلیل نبود امکانات قابل درمان نبودند، ۲۵ نفر به مراکز درمانی مرکز ولایت و ولایت تجار منتقل شده‌اند.

خاطرات استادان و شاگردان
لیسہ عالی حبیبیہ

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با کسبهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۱۶ ارسال دارند.

تلفون ٥٧١-٤٣٥-٤٦٠٤
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 25, Issue No. 1020 , June 20, 2016, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی)
توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل
ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده
است. علاقمندان می‌توانند یک نسخه آنرا از
مرجع ذیل بدست بیاورند:

**Memoirs of Khalilullah Khalili: An
Afghan Philosopher Poet – A
Conversation with his Daughter,
Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554
pages, \$19.99) is available in paperback
in English and Persian
at www.amazon.com.**

کابل - افغانستان

معصومہ نظری

مس. آشف مله افغانستان

افغانستان، ایداز، و ته که؛ مراث مملاتقا حانچال شد؟

۱۴ جون/کابل: در روزهای اخیر پیشنهاد نامزدی مثنوی معنوی از مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۶۰۴-۷۷۲ ه‍.ق) شاعر پرآوازه قرن هفتم بلخ توسط دو کشور ایران و ترکیه در حافظه جهانی یونسکو، سرساز شده است. به دنبال پخش این خبر، اعتراضات و انتقادهای زیادی از سوی مقامات رسمی افغانستان، جامعه مدنی و فعالان فرهنگی در رسانه‌های مختلف بازتاب یافت. تصور اولی‌ها بود که گویا مولانا بعنوان یک شخصیت ادبی و فرهنگی افغانستان توسط ایران و ترکیه در یونسکو ثبت میشود. اما اندکی بعد توجهات به آثار مولانا جلب شد و اکنون هم تصور بر اینست که آثار مولانا بعنوان میراث ادبی و فرهنگی بجای مانده از اونها هم ایران و ترکیه ثبت میگردد. بعضی از مقامات و جامعه فرهنگی افغانستان، ثبت مثنوی معنوی مولانا توسط ایندو کشور را خلاف واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی

مودی و حیویتی بن سیاستمدار بر ای افغانستانها (دنباله از صفحه اول)

مودی در سخنرانی‌اش در کانگرس امریکا نیز از افغانستان و چالش‌هایی که این کشور با آن مواجه است یادآوری کرد. یادآوری از تهدید تروریسم و نیاز حمایت قوی از افغانستان، و گفت: "مردم افغانستان به گونه طبیعی درک می‌کنند که امریکایی‌ها برای آنان قربانی داده و آنها کمک کرده تا از زندگی بهتر برخوردار شوند. اما سهمگیری شما در قسمت امن نگهداشتن منطقه، بصورت فراگیر مورد تحسین قرار گرفته. هندیبه نوبه به خود کمکهای زیادی برای دوستان در افغانستان کرده است."

نخست وزیر هند همچنان مردم افغانستان را از دمان با غرور عنوان کرده و گفت در همسایگی این مردم کشوری قرار گرفته که از تروریسم حمایت میکند. در قلمروهای واقع در مرز غربی هند تا افریقا گروههای دهشت افکن تحت نامهای مختلف فعالیت دارند که شامل لشکر طیبه، طالبان و داعش میشوند، اما آنان فلسفه مشترک دارند یعنی نفرت، قتل و خشونت. از اعضای کانگرس امریکا میخواهم پیام واضح به کسانی بفرستد که با ترویج دهشت افگنی، خواهان دستاورد سیاسی هستند." نخست وزیر هند تاکید کرد که قطع یاداش به کشوری که از دهشت افگنی حمایت میکند، میتواند به مثابه اولین گام در راستای مبارزه بر ضد کشورهای حامی دهشت افگنی باشد تا در مقابل اعمال شان، حسابده شوند.

با توجه موجودیت یک نسخه کامل و قدیمی از مثنوی درزادگاه مولانا وجود یک نسخه قدیمی و نفیس در آرامگاه مولانا قابل قیاس به نظر می‌رسد که در درجه نخست ترکیه و افغانستان پیشنهاد نامزدی ثبت مثنوی را به یونسکو ارائه می‌دادند تا اینکه ایران و ترکیه به عنوان گذرگاه و آرامگاه مولانا در کنار یکدیگر قرار گیرند.

نسخه خطی مثنوی معنوی محفوظ در آرشیو ملی افغانستان دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که پیونددهنده سه کشور افغانستان، ایران و ترکیه و آینه‌ای است که ویژگی‌های زندگی مولانا را به تصویر می‌کشد. این نسخه بین سال‌های ۸۵۷-۸۵۲ ق توسط محمد بن علی رامهریزی برای دربار علی پیربوداقی حاکم شیراز کاتب شده، حواشی اطراف صفحات و صفحه نخست اثر به زبان ترکی، نشان می‌دهد که این نسخه مدتی در ملک شخصی اعثمانی بوده که بعداً شمسه رسم خزینه آن نموداری از شمشه‌های مکتب شیراز دورهٔ تیموری است و سر عنوان هر یک از دفترهای مثنوی کبیهای با ذکر عنوان دفتر به ز و شکرگف است. این نسخه دارای ۳۱۵ صفحه دست‌نویس و متن به خط نستعلیق است. بیست و یک نفر از دفتر‌آلایان این دفتر بوده و بعدها توسط سلیمان بن عبدالرحمان سیری در ۲۶ رمضان سال ۱۱۴۶ هجری قمری کتابت شده است.

از مثنوی نسخه‌های متعددی در آرشیف ملی افغانستان نگهداری می‌گردد که نسخه یاد شده قدیمی‌ترین آن‌ها است. این نسخه در سال ۱۳۶۲ از کتابخانه ریاست جمهوری (اگر) به آرشیف ملی افغانستان انتقال یافته است.

مولانا در زمان حیاتش ده‌ای مردمان زیادی را در سرزمین‌های مختلف، به هم
پیوند زد و شیفته خود ساخت. بدون شک ثبت این سه نسخه خطی مثنوی به
طور سه‌جانبه، می‌تواند پیوندهای فرهنگی بین سه کشور افغانستان، ایران و ترکیه
و ایش از گذشته مستحکم سازد. (برگرفته شده از سایت فارسی بی بی سی)

مرز تورخم بعد از تنش مرزی باز شد

۱۸ جون/ جلال آباد- بی بی سی: مقامات ولایت ننگرهار اعلام کردند که مرز تورخم که بدلیل تنشهای مرزی برای هرویزه بوده، باز شده است، اما تنها به کسانی اجازه تردد داده می شود که دارای روادید قانونی هستند. همچنین به خودروهایی که اجازه تردد دارند اجازه عبور از مرز داده میشود. کارمندان شهرداری اکنون به محل اعزام شده تا خسارت و ویرانی های باقی مانده از جنگ را ترمیم و زباله ها را جمع آوری کنند. افغانستان و پاکستان اعلام کردند که شب گذشته مقامات دو کشور در نقطه مرز تورخم دیدار و هردو جانب توافق کردند که ساعت ۳:۰۰ دقیقه صبح به وقت محلی، این نقطه مرزی باز شود.

بر اساس اعلام مقامهای افغانستان دو کشور درباره ساخت تاسیسات مرزی توسط پاکستان به توافقی نرسیده و قرار است نمایندگان شان در باره این تصمیم پاکستان در اسلام آباد باهم گفت و گو کنند. مقامهای پاکستانی اعلام کرده اند که نسبت به گذشته در تردد اتباع افغانستان اقدامات سختگیرانه تری اعمال خواهند کرد و حتی به اتباع افغانستان که کارت اقامت مهاجرت از پاکستان را نیز دارند، اجازه تردد نخواهند داد. غنچه گل، مسئول امور سیاسی خیبر پاکستان گفت دو طرف به باز شدن مرز ترخم توافقی کرده ولی پاکستان به ساخت تاسیسات نظامی خود در این منطقه ادامه خواهد داد. ساخت این تاسیسات تقض توافقی میان افغانستان و پاکستان نیست و این تاسیسات ۱۳۷۰ کیلومتر در داخل خاک پاکستان ساخته شده، نه در نقطه صفر مرزی. اما محمد ایوب حسین خیل، یک فرمانده ارتش افغانستان در منطقه گفت بین دو کشور توافق شده که مرز باز و ساخت تاسیسات تا توافقی مقامات افغانستان و پاکستان متوقف باشد. منابع افغانسان شامگاه روز یکشنبه (۳ جوزا / خرداد) از درگیری بین مرزبانان دو کشور در گذرگاه تورخم خبر دادند و شامگاه روز سه شنبه (۵ جوزا / ۸ خرداد) نیز رسانه های محلی گزارش هایی را از درگیری شدید و طرف متشکر کردند که برای دو طرف تلفاتی نیز در پی داشت. شمار مرزبانان کشته شده افغانستان به ۳ نفر رسیده و ۱۱ نفر زخمی شده اند. منابع پاکستانی نیز مرگ یک فرمانده ارتش خود را تایید کردند.



می‌دانند و امتیاز ثبت این اثر را منحصر به افغانستان به عنوان زادگاه مولانا می‌شناسند.

نسخه خطی مثنوی در آرشیو ملی افغانستان

انتهادهای سیاسی، بخش‌های فرهنگی کشور را مسئول دفاع از جایگاه افغانستان به عنوان زادگاه مولانا و حفاظت از میراثی میدانند که از مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به یادگار مانده و هم اکنون توسط کشورهای دیگر غارت می‌شود. جنگها و آشوبهای اجتماعی و سیاسی، حفاظت نادرست کشورها و دست‌های غیرقانونی آثار، باعث شده تا بوسکو وظیفه و میدانند تا برنامه حفظه جهانی را ایجاد کنند این برنامه در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد. اهداف عمده آن حفاظت میراث مستند جهانی، تسهیل دسترسی جهانیان به این میراث و افزایش آگاهی جهانی نسبت به وجود و اهمیت میراث مستند میباشد. از طریق این برنامه هر دو سال یکبار کشورها می‌توانند در اثر قدیمی و تاریخی خود دراکه در معرض خطر نابودی قرار دارند، جهت ثبت در برنامه حفظه جهانی نامزد کنند. ثبت این آثار روند پیچیده‌ای دارد و آثار معرفی شده باید شرایط لازم جهت وارد شدن در فهرست حفظه جهانی را داشته باشند.

کمیته‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل - یونسکو آثار را بررسی میکند و پس از آن، اثر پیشنهادی در فهرست حافظه جهانی ثبت می‌شود. نگاهی به فهرست آثار ثبت شده نشان می‌دهد که کشورهای مختلف آثاری را ثبت میکنند که گویای بخشی از تاریخ، هویت و باورهای آن‌ها باشد یا اثر مهمی که بیم ازین رفتن آن وجود داشته باشد. در این میان آثاری نیز دیده میشود که قدیمی‌ترین و بااهم‌ترین میراث مستند موجود در آن کشور است و از نظر هویتی متعلق به آن کشور نیست و ارتباط محکم با تاریخ و فرهنگ آن کشور ندارد. گاهی نیز یک کشور در ثبت یک اثر به همراه یک یا چند کشور دیگر که آن اثر مشخص را در آرشیوها یا کتابخانه‌هایشان حفاظت میکنند، سهم می‌شوند.

اصولاً تعاملات فرهنگی، تاریخی و سیاسی باعث می شود که کشورها تصمیم بگیرند اثری را به طور مشترک در یونسکو به عنوان میراث مشترک خود ثبت کنند. بنابراین، اولین گام برای ثبت یک اثر در حافظه جهانی یونسکو، موجودیت یک اثر مشخص در یک کشور است که قدیمی و تاریخی باشد.

طبیعتاً یک کشور صرافیه دلائل هویتی و تاریخی و بدون تملک چنین اثری که مورد نظر بر نامه حافظه جهانی را داشته باشد، نمی تواناند وارد این فهرست شوند. چرا که یک اثر مشخص و بخصوص است که ثبت می شود نه امتیاز او. افغانستان نیز صرفاً به عنوان زادگاه و موطن مولانا بدون ملکیت، معرفی و پیشنهاد یک اثر خطی قدیمی و تاریخی از مثنوی نمی تواند در برنامه ثبت مثنوی در یونسکو سهمی شود.

اما اگر افغانستان اثر خطی از مثنوی معنوی داشته باشد که قدیمی و کامل باشد، می‌تواند آن را برای ثبت به یونسکو پیشنهاد کند.

نسخه خطی مثنوی که از سوی ترکیه نامزد ثبت در یونسکو شده، قدیمی ترین نسخه خطی مثنوی است که تا کنون شناخته شده است. تاریخ این اثر به ۵۶۷ قمری برمیگردد که اندکی پس از وفات مولانا کتابت شده است. نسخه خطی مثنوی متعلق به ایران نیز به سال ۸۱۵ قمری می‌رسد. بر عنوان آرامگاه مولانا یادداشتن قدیمی ترین نسخه خطی مثنوی بجای مانده از او، طبیعتاً حق ثبت مثنوی را در حافله جهانی یونسکو دارد. جنبه امتیازی برای ایران عنوان گذرگاه مولانا و صاحب بانی نسخه خطی مثنوی قدیمی دیگر نیز صدق می‌کند.

با این وجود، این دو کشور نمی توانند به جایگاه افغانستان به عنوان زادگاه مولانا، که دارای نسخه های خطی زیادی از او است، بی توجه باشند. اصولاً ناآگاهی از وجود نسخه های قدیمی و نفیس از مثنوی معنوی در زادگاه مولانا دلیل قابل توجهی برای مسئولان فرهنگ این دو کشور نیست. (ستون دوم)

استادشاه ولی ولی ترانه ساز
طنز
عبدالحق
خالق به یقین شیرازی بود
در مہین خوش قلمی بود
با این همه حسنلاق صفات علی
در فی تفکک چه خوش شانی بود



لقب (بهترین شخصیت سال ۱۳۹۴) تشخیص داده ایم. /

سرباز دلیر افغانستانی یک سرباز متجاوز پاکستانی را در حوالی تورخم به سزای اعدامش رسانید!



Afghan Academy

In the name of God...

AFGHAN ACADEMY CONDEMNS THE SENSELESS KILLING OF INNOCENT PEOPLE AT THE PULSE CLUB IN ORLANDO, FLORIDA

The Afghan Academy of Virginia, Mustafa Center Mosque in Annandale, The Society of Afghan Engineers, Afghan American Women's Association, Association for Peace and Democracy, Afghan Medical Professionals Association of America and Shaam-e-Erfan (Cultural Organization) strongly condemn the killings and mourn the loss of innocent life at the Pulse Night Club in Orlando Florida, on Sunday June 12th, 2016. We extend our condolence to the affected families.

The suffering, of the victims of this horrific crime committed by a deranged and mentally sick and Homophobic person with easy access to firearms, is deeply saddening.

The massacre of 49 innocent people of the LGBT community has no parallel in our American history. Afghan-Americans all over the United States are shocked and dismayed by this heinous act of one person, no matter which ideology (outlaw and aberrant), which religion or which culture inspired him.

We stand shoulder to shoulder with all Americans in this hour of grief and reiterate our support and desire to work with any and every organization (including law enforcement agencies), in helping the victims regardless of their faith and belief.

We are all in it as Americans. Afghans are proud to be Americans living in this "land of the free and the home of the brave."

In the end the Afghan-American diaspora would also like to add that our political leaders, specially those running for the highest office, should respect the victims and not exploit the situation for votes.

6416 Grovedale Drive
Suite 300
Alexandria, VA 22310

Tel: 703-971-8701
Fax: 703-971-8704
www.afghanacademy.org